



آفتاب

نشریه داخلی بانک خاورمیانه ♦ شماره ۷ ♦ تیر ۱۳۹۴

- ♦ شیوه‌هایی برای تامین بازار
- ♦ تحلیلی واقع‌گرایانه بر تحریم‌های ایران
- ♦ بانکداری به کدام سو می‌رود
- ♦ سامانه مدیریت نقدینگی
- ♦ نهادهای مالی؛ یک آرایش غلیظ





ارتباط با مشتریان

۰۶۶۹ ۸۸۷۲ (۰۲۱)

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۴۲۱۷۸

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۴۴۴۵

info@middleeastbank.ir

www.middleeastbank.ir

مراجعه حضوری:

خیابان احمد قصیر، نبش خیابان پنجم، ساختمان مرکزی بانک خاورمیانه، طبقه پنجم
مدیریت ارتباطات بانک خاورمیانه

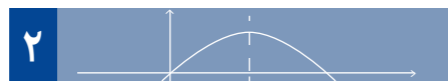
دریافت، ارجاع و پی گیری سریع شکایت، انتقاد و پیشنهاد

پی گیری مشکلات مرتبط با خدمات بانکی

پاسخگویی به سوال

ارایه راهنمایی

عبور از بحران



بهبود نظام تامین مالی مسکن



شیوه‌هایی برای تامین بازار



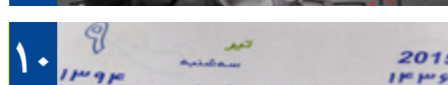
نسخه‌ای برای اقتصاد



تامین مالی براساس سررسید



تحلیلی واقع‌گرایانه بر تحریم‌های ایران



بانکداری به کدام سو می‌رود؟



نقش بانک‌ها در صنعت احداث کشور



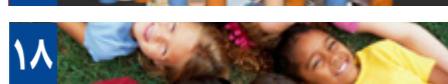
سامانه مدیریت نقدینگی



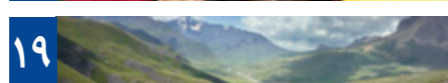
معمای نقدینگی



تک فرزندی؛ پدیده فراگیر نسل امروز



مناطق با ارزش زیست‌محیطی ایران



اقتصاد چطور رشد می‌کند و چرا نمی‌کند؟



امید گوگل



نوآوری در تامین مالی



نهادهای مالی؛ یک آرایش غلیظ



اخبار بانک خاورمیانه



سردبیر: محسن کریمی

دبیر اجرایی: هومن جهانگرد

زیر نظر مدیریت ارتباطات بانک خاورمیانه

همکاران این شماره:

فرشید اسلامبولچی، ندا بیات، محمد مهدی تربتی، سید مسعود حسینی

سهیل حمزه‌ئی، مجید خادم‌الحسینی، مریم ذوالفقار

محمد رضا طبیب‌زاده نوری، محمد کوثری، سیونه گریگوریان، لاله ولی پور

شکوه یزدانی

صفحه آرایی و تصویرسازی روی جلد:

حنانه نیازمند

■ آفتاب خاورمیانه یک نشریه داخلی و مستقل است که تمامی حقوق

آن به بانک خاورمیانه تعلق دارد.

■ مسؤلیت مطالب نشریه با پدیدآورندگان است و انتشار آن‌ها لزوماً

به معنی تأیید تمام یا بخشی از مطالب نیست.

■ نقل مطلب از نشریه با ذکر منبع بلامانع است.

■ منابع در آرشیو نشریه موجود است.

آفتاب خاورمیانه آماده دریافت دیدگاه‌های شماست.

نظرات و مقالات خود را از طریق پست الکترونیک یا

نشانی پستی برای ما ارسال نمایید و یا با ما تماس بگیرید.

نشانی: تهران، خیابان احمد قصیر (بخارست)،

نبش خیابان پنجم، شماره ۲،

ساختمان مرکزی بانک خاورمیانه

کد پستی: ۱۵۱۳۶۴۵۷۱۷

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۴۴۴۵

تلفن: ۴۲ ۱۷ ۸۰۰۰

دورنگار: ۸۸۷۰۱۰۹۵

پیام کوتاه: ۳۰۰۰۴۲۱۷۸

مرکز ارتباط با مشتریان: ۸۸۷۲۶۶۹۰

امور سهامداران: ۴۲ ۱۷ ۸۰۲۰

www.middleeastbank.ir

info@middleeastbank.ir

عبور از بحران



محسن کریمی |مدیر ارتباطات بانک خاورمیانه

محسن کریمی، مدیر ارتباطات بانک خاورمیانه

◆ مسوولان اقتصادی کشور اعتقاد دارند با بهبود انضباط پولی و مالی کشور و اصلاحات ساختاری می‌توانیم به اهداف مورد نظر دست یابیم ضمن آنکه قرار است اصلاحاتی در زمینه رابطه دولت و بانک مرکزی و تقویت بازار سرمایه و رفع سلطه مالی بر بازار پول و برخورد با موسسات مالی غیرمجاز و رفع تنگناهای مالی در بانک‌ها انجام شود. وزیر امور اقتصادی و دارایی اخیرا بیان کرده که "دستیابی به تورم تک رقمی نیلز به اقتضانات و توجه ویژه دارد لذا برای کاهش هرچه بیشتر آن باید محدودیت‌ها و مشکلات ساختاری اقتصاد را نیز مدنظر قرار دهیم." آمارهای جهانی نرخ تورم را در بین اقتصادهای پیشرفته در سال ۲۰۱۴ معادل ۱/۴ درصد نشان می‌دهد.^{*} این رقم در کشورهای نوظهور ۵/۱ درصد بوده بنابراین از میان ۱۹۸ کشور جهان تنها ۱۱ درصد آنها دارای تورم دو رقمی بوده‌اند و این در حالی است که رتبه ایران در بین کشورهای جهان ۵ بوده است. تورم در بیشتر کشورها تک رقمی شده ضمن آنکه اولین اصل سلامت اقتصادی داشتن تورم پایین همراه با نوسانات اندک است و اکثر کشورهای دنیا تورم را بین ۱ تا ۳ درصد کنترل می‌کنند.

یکی دیگر از چالش‌های مقابله با تورم بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی است. بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی تحت تاثیر بودجه دولت بوده و این دولت و مجلس بودند که در قالب بودجه، تکالیفی را برای بانک مرکزی و نظام بانکی کشور در نظر گرفته‌اند که نهایتا به رشد بدهی نظام بانکی به بانک مرکزی، رشد پایه پولی و تورم انجامیده است. عامل دیگری که در گذشته و امروز امکان نقدینگی را محدود کرده سیاست‌های نرخ ثابت ارز بوده‌است. تلاش دولت و بانک مرکزی برای تسعیر نرخ ارز کنترل بانک مرکزی را بر حجم نقدینگی محدود می‌کند و این تجربه‌ای جهانی است. وجود موسسات پولی و مالی غیرمجاز که سیاست‌ها و ضوابط بانک مرکزی را به درستی رعایت نمی‌کنند عامل دیگری است که اجرای مقررات را دشوار کرده است. برای حفظ استقلال و رعایت مقررات بانک مرکزی باید همه موسسات مالی و اعتباری تحت کنترل کامل بانک مرکزی قرار گیرند.

حل این مشکلات مستلزم افزایش سرمایه بانک‌ها، پرداخت دیون دولت به بانک‌ها، تلاش برای وصول مطالبات جاری، فروش اموال مازاد نظام بانکی و هدایت منابع حاصله به سمت فعالیت‌های تولیدی و مولد است.

کاهش درآمدهای نفتی موجب کسری بودجه و استقراض دولت از بانک مرکزی و سپس شبکه بانکی شده که ناتوانی در بازپرداخت این بدهی‌ها توان پرداخت تسهیلات از سوی بانک‌ها را کاهش داده است.

وزیر امور اقتصادی و دارایی اخیرا بیان کرده که مشکلات نظام بانکی، محدودیت منابع مالی دولت و ورود کشور به شرایط پساتحریم و پایان احتمالی تحریم‌ها که فرصت‌های جدیدی را برای اقتصاد ما فراهم می‌کند، تهدیدها و چالش‌هایی را برای مقابله با تورم ایجاد کرده و ورود به هسته سخت تورم را دشوار کرده است.

رییس کل بانک مرکزی معتقد است که "اگرچه اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۳ برای سه فصل متوالی رشد اقتصادی مثبت داشته، لیکن سطح تولید کشور در ۹ ماهه سال ۱۳۹۳ نسبت به رقم مشابه سال ۱۳۹۰ حدود ۷/۱ درصد کمتر است لذا رویکرد بانک مرکزی در سال ۱۳۹۴ تداوم سیاست فعال‌سازی ظرفیت‌های خالی اقتصاد از مجرای هدایت منابع به سمت بخش‌های مولد و با اولویت سرمایه در گردش خواهد بود. بدیهی است جریان بیشتر و سریع تر لطمات وارد شده بر رشد اقتصادی با تاکید ویژه بر تشکیل سرمایه خواهد بود."

از دیگر سو مشاور اقتصادی رییس‌جمهور می‌گوید که "بازگشت آرامش به فضای عمومی، ثبات اقتصاد کلان و گشایش‌های تجاری حاصل از توافق ژنو تاثیر خود را در سال ۹۳ به صورت افزایشی در سطح تولید و اقتصاد ایران به جا گذاشته، بنابراین برای رشد اقتصادی در سال جدید باید روی ظرفیت سایر عوامل حساب کرد و از سوی دیگر افزایش نرخ سود بانکی با وجود کاهش نرخ تورم در نیمه دوم سال ۹۳ نشانه‌ای از وجود تنگنای مالی در طرف عرضه اقتصاد محسوب می‌شود.

برای رفع موانع پیش‌روی اقتصاد ملی نیازمند اصلاحات نهادی هستیم؛ مواردی چون تعیین تکلیف اوراق بهادارسازی، ایجاد بازار ثانویه برای بدهی‌های دولت، بهره برداری اهرمی از بودجه عمرانی، توسعه کمی و کیفی بازار سرمایه، اصلاحات ساختاری در نظام بانکی و ایجاد تعهد در دولت برای پایبندی به انضباط مالی و بودجه‌ای از جمله اصلاحات نهادی اولویت‌دار هستند که استمرار موفقیت‌های اقتصادی در سال ۹۴ به آنها گره خورده است."

به دلیل کاستی‌هایی که در قانون بانکداری کشور وجود دارد کارشناسان معتقدند نظام بانکی ما با بانکداری متعارف دنیا تفاوت بنیادی پیدا کرده و به جای واسطه‌گری وجوه به تأمین‌کننده سرمایه بدل شده است.

بازار سرمایه کشور به دلیل محدودیت ابزار و چالش مقررات، در جذب سرمایه‌های داخلی موفق نبوده است. حال با توجه به نگاهی که نسبت به نتیجه مذاکرات هسته‌ای و لغو تحریم‌ها وجود دارد در برابر جذب سرمایه‌های خارجی چه راهکار مناسبی ارایه خواهد داد؟

با توجه به محدودیت بازار پولی و بازار سرمایه، توجه به بازار بدهی را می‌توان به عنوان راهکار برون‌رفت از بن‌بست تأمین مالی مورد توجه قرار داد. بخش خصوصی بسته به اهداف و نیازهای خود می‌تواند در کنار بازار سرمایه از این نوع شیوه تأمین مالی استفاده کند.

بهمنظور تشریح بیشتر بازار بدهی (استقراضی) این شماره آفتاب خاورمیانه نگاه ویژه‌ای به موضوع تأمین مالی کسب و کارها دارد و دیدگاه‌های صاحب‌نظران و کارشناسان را در این زمینه در اختیار شما قرار می‌دهد. ■

worldbank.com ◊

بهبود نظام تأمین مالی مسکن



محمد کوثری

کارشناس تحقیقات اقتصادی بانک خاورمیانه

محمد کوثری، کارشناس تحقیقات اقتصادی بانک خاورمیانه



◆ بدون تردید بخش مسکن یکی از مهمترین و سرمایه‌برترین بخش‌های اقتصاد کشور است و ارزش سرمایه موجود در آن سهم بزرگی از کل سرمایه کشور را شامل می‌شود. در ایران به دلیل توسعه نیافتگی و عدم کارآمدی بازارهای مالی و سرمایه، بازار مسکن نقش اصلی را در جذب دارایی‌های افراد بر عهده داشته و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری قابل توجهی بر سایر بخش‌های اقتصادی دارد. از جمله عمده‌ترین چالش‌های بخش مسکن به خصوص در شرایط فعلی اقتصاد کشور، مسئله تأمین مالی آن است که باید به صورت هدفمند مورد توجه سیاست‌گذار قرار گیرد.

مطالعات نشان می‌دهد در کشورهایی که نوسان قیمت‌ها بالااست، معمولا مالکیت مسکن از جذابیت بیشتری برخوردار بوده و تقاضای غیرمصرفی برای آن پررنگ‌تر است. دلیل این موضوع آن است که افراد خرید مسکن را به عنوان روشی برای حفظ ارزش پس‌اندازهای خود در مقابل نوسان قیمت‌ها می‌دانند. اگر از زمین و ساختمان به عنوان وسیله‌ای برای پس‌انداز و سفته‌بازی استفاده شود، ایجاد عدم تعادل بین عرضه و تقاضا در این بازار بسیار محتمل بوده و بازار مستعد تشکیل حباب قیمتی می‌شود. در این میان مکانیزم تأمین مالی مسکن می‌تواند نقش اهرم را برای تشدید یا تضعیف تقاضای غیرمصرفی (سرمایه‌ای یا سفته بازی) ایفا کند، به‌این‌ترتیب که اگر این مکانیزم متناسب با نیاز متقاضیان مصرفی نباشد، بخشی از این گروه به ناچار به بازار اجاره روی آورده و تقاضای مسکن عمدتا با هدف غیرمصرفی صورت خواهد گرفت و به مرور عدم تعادل مذکور را رقم خواهد زد. به همین دلیل سیاست‌گذار در کنار اندیشیدن به تسهیل تأمین مسکن خانوارها، باید بکوشد تا مسکن به وسیله‌ای برای پس‌انداز یا ابزاری برای سفته‌بازی تبدیل نشود. از این رو سیاست‌های تأمین مالی مسکن اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

علاوه بر این در شرایط فعلی اقتصاد کشور که بازار مسکن در رکود به سر می‌برد، فقدان تأمین مالی مناسب نیز یکی از دلایل تأخیر در خروج از رکود مسکن به شمار می‌رود. عمده ناکارآمدی سیستم تأمین مالی مسکن در ایران را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- بانک محور بودن آن و عدم بهره‌گیری از ابزارهای نوین به ویژه در بازار سرمایه
- نقدشوندگی پایین و بازگشت طولانی مدت تسهیلات اعطایی و فقدان بازار رهن ثانویه
- عدم تخصیص منابع اعتباری کافی، بلندمدت، پایدار و متناسب با استطاعت خانوار
- عدم انعطاف پذیری تسهیلات و فقدان تنوع محصولات رهنی متناسب با نیاز گروه‌های درآمدی متفاوت
- ضعف نظام رتبه‌بندی و اعتبارسنجی مشتریان برای اعطای تسهیلات با شرایط متفاوت
- عدم تخصیص کارآمد اعتبارات به ساخت واحدهایی که منطبق بر نیاز متقاضیان مصرفی باشند.

تا زمانی که این ناکارآمدی‌ها در تأمین مالی بخش مسکن وجود داشته باشد، عدم تعادل و مشکلات فعلی این بخش قابل انتظار خواهد بود. به همین دلیل است که در شرایط فعلی لزوم اصلاح ساختار در تأمین مالی بخش مسکن بیش از پیش احساس می‌شود. همانطور که ساختار نظام‌های توسعه‌یافته تأمین مالی بخش مسکن، عمدتاً بر بازارهای سرمایه و رهن اولیه و ثانویه متکی است، در ایران نیز توسعه و بهبود نظام تأمین مالی، تنها با اتکا به منابع محدود سیستم بانکی و بدون استفاده از ابزارهای نوین، انتظار بهبودهای خواهد بود.

برای اصلاح این ساختار، ابتدا باید در بازار تأمین مالی مسکن رقابت ایجاد کرد و انحصار آن را از سیستم بانکی خارج نمود. استفاده از ابزارهای بازار اوراق استقراضی و همچنین تشکیل و توسعه‌ی مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی پس‌انداز و وام مسکن (Savings and Loan Association) می‌تواند راه حل مناسبی در این زمینه باشد. علاوه بر این از آن‌جا که

تسهیلات مسکن عمدتاً باید درازمدت باشند، بازپرداخت اصل و سود این نوع تسهیلات سال‌ها به طول می‌انجامد و لذا موجب کاهش قدرت وام‌دهی بانک یا مؤسسه اعتباری مربوطه می‌گردد. به منظور تسریع در بازگشت سرمایه‌ی اختصاص‌یافته به تسهیلات مسکن و افزایش نقدشوندگی آن‌ها، بازار نیازمند وجود بازار رهن ثانویه (Secondary Mortgage Market) است. هدف از تشکیل بازار رهن ثانویه آن است که نقدینگی کافی به بازار رهن اولیه جاری شود و اعطا کننده وام رهنی، مثلا بانک مسکن، با فروش وام‌های رهنی اعطایی، وجوه خود را آزاد کند و بتواند وام‌های رهنی بیشتری اعطا نماید. بروز منابع اعتباری کافی، در استطاعت، پایدار و نقدشونده از مزایای تشکیل بازار رهن ثانویه خواهد بود.

متنوع سازی محصولات تأمین مالی ساخت و خرید به منظور پاسخ‌گویی به شرایط متفاوت متقاضیان نیز از جمله ملزومات نظام‌های تأمین مالی توسعه‌یافته است. برای مثال، سازندگانی که قابلیت و پیشینه قابل‌قبولی در امر ساختمان دارند می‌توانند به جای استفاده از تسهیلات بانکی، برای تأمین مالی پروژه خود از حساب امین (Trust Account) استفاده کنند و از مزایای آن بهره‌مند شوند. این حساب نوعی ابزار پولی است که در بانک عامل به عنوان شخص ثالث، برای حفظ منافع طرفین یک معامله تشکیل می‌شود. بانک در قالب این حساب و قراردادی که تنظیم می‌شود، نماینده پیش‌فروشنده و پیش‌خریدار آپارتمان خواهد شد تا در فرآیند ساخت‌وساز واحد پیش‌فروش شده، ابتدا وجوه نقد را از پیش‌خریدار (به عنوان سپرده‌گذار)، دریافت کرده و متناسب با پیشرفت ساختمان در حال احداث، به پیش‌فروشنده پرداخت نماید و در نهایت واحد آماده شده را به پیش‌خریدار تحویل دهد. بانک عامل حساب امین بر اجرای تعهدات طرفین معامله نظرات داشته و منطبق بر استانداردهای از پیش تعیین شده، مانع کج‌روی یا سوءاستفاده هر کدام از طرفین می‌شود.

شناخت نیاز بازار و تخصیص کارآمد اعتبارات به ساخت واحدهای منطبق بر شرایط متقاضیان مصرفی، یکی دیگر از ملزومات ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضای بازار ناهمگن مسکن است. برای مثال، بازار مسکن در سال‌های اخیر در حالی با مازاد عرضه واحدهای مسکونی لوکس و واحدهای کم‌کیفیت مسکن مهر مواجه شده که اکثر متقاضیان مصرفی به واحدهای معمولی با متراژ متوسط نیاز دارند. به همین دلیل است که با وجود تأمین مالی سنگین واحدهای مسکن مهر، نه تنها قیمت مسکن کنترل نشده، بلکه جهش‌های قیمتی شدیدی نیز اتفاق افتاد. در چنین شرایطی هدف‌گذاری در کلان‌شهرها بهتر است با اولویت ساخت یا خرید واحدهای مسکونی با متراژ متوسط صورت گیرد. از طرف دیگر سراز و کاری لازم است تا از اثرگذاری کنترل نشده اعطای تسهیلات مسکن بر سطح عمومی قیمت‌ها جلوگیری کند. برای مثال می‌توان ترتیبی اتخاذ کرد که خریدار با ارائه مشخصات محل و قیمت واحد مسکونی مورد نظر، بخشی از مبلغ مورد نیاز برای خرید آن را برای مدت کوتاهی در بانک یا مؤسسه اعتباری سپرده‌گذاری کند، و سپس آن بانک یا مؤسسه اعتباری با اضافه کردن مبلغ وام، کل هزینه خرید را به فروشنده پرداخت نموده، واحد مسکونی را در اختیار خریدار قسار دهد و طبیعتا سند آن را در رهن خود نگه دارد. با این روش علاوه بر اینکه به احتمال بالا تسهیلات تنها در اختیار متقاضیان مصرفی قرار می‌گیرد، این اطمینان حاصل می‌شود که بدون احتساب مبلغ وام، متقاضی قادر است مابقی هزینه‌ی خرید مسکن مورد نظر را خودش تأمین کند و نیاز به منبع مالی دیگری ندارد.

در نهایت باید توجه نمود که با توجه به شرایط رکودی بازار مسکن در حال حاضر، هرچند تأمین منابع مالی مورد نیاز این بخش باید بدون استفاده از منابع تورم‌زا صورت گیرد، به دلیل شرایط خاص نظام مالی کشور و تنگنای اعتباری سیستم بانکی، شاید تساهل موقت در مورد برخی ملاحظات احتیاطی اجتناب‌ناپذیر باشد. ■

شیوه‌هایی برای

تامین بازار

تدوین مقررات، بدون اراده سیاسی درد را دوا نباشد

دکتر موسی غنی‌نژاد متولد ۱۳۳۰ تبریز، اقتصاددان ایرانی است. در سال‌های گذشته با توجه به موضع‌گیری‌ها، مقالات و کتاب‌هایش در جایگاه یک "اقتصاددان برجسته" قرار گرفته است. وی فوق‌لیسانس و دکتری اقتصاد توسعه از دانشگاه سوربن (La Sorbonne) فرانسه دارد و استاد اقتصاد در دانشگاه صنعت نفت و دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه صنعتی شریف بوده است. در مورد تامین مالی گفت‌وگویی با ایشان داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

دکتر موسی غنی‌نژاد در نشست با مدیران هیات مدیره بانک ملی در سال ۱۳۹۰. در این نشست، غنی‌نژاد به موضوع تامین مالی در اقتصاد ایران و راهکارهای آن پرداخت.

با توجه به گستردگی ابزارهای مالی، به نظر شما یک تعریف جامع و مناسب از ابزار مالی چیست و به طور کلی چگونه می‌توان این ابزارها را دسته‌بندی کرد؟

نظام مالی هر کشوری را می‌توان به سیستم عصبی تشبیه کرد، اگر سیستم عصبی درست کار نکند کل اقتصاد کارایی خود را از دست می‌دهد. البته باید توجه کرد که نظام مالی یا سیستم عصبی هر اقتصادی در طول زمان تحول یافته و پیچیده‌تر می‌شود. نظام‌های مالی در سده‌های هیجدهم و نوزدهم سیستم‌های نسبتاً ساده‌تری بودند و هرچه اقتصادها پیشرفته‌تر شده‌اند سیستم‌های مالی‌شان نیز گسترده‌تر و پیچیده‌تر شده است. ابزارهای مالی نوینی که در چند دههٔ اخیر ابداع شده برای گذشتگان غیر قابل تصور بود. طبیعی است که این گستردگی و پیچیدگی مسائل خاص خود را نیز به همراه می‌آورد. مثلاً آنچه در جریان بحران مالی سال‌های ۲۰۰۷–۲۰۰۸ اتفاق افتاد بخشی از آن به همین مسائل بر می‌گشت. همچنان که در این بحران دیدیم اگر سیستم مالی دچار مشکل شود تبعات آن کل نظام اقتصادی را در بر می‌گیرد. در اقتصادهای مدرن امروزی که مبتنی بر نظام پولی اعتباری هستند هر گونه فعالیت اقتصادی، اعم از دولت یا بخش خصوصی، مستلزم تامین مالی است. دولت که تولیدکنندهٔ کالاهای عمومی است برای تامین مالی خود اساساً به مالیات متوسل می‌شود و بخش خصوصی که تولیدکنندهٔ کالاهای خصوصی است باید به دارایی‌های خود متکی باشد. مسئلهٔ مالی زمانی بروز می‌کند که دولت یا بخش خصوصی با کمبود عاجل وجه نقد برای ادامهٔ فعالیت‌های خود روبرو می‌شوند، اینجا است که ابزارهای مالی مختلف می‌توانند گره از این مشکلات را باز کنند. دو ابزار کلی برای تامین مالی وجود دارد یکی جلب مشارکت دیگران برای انجام پروژه و دیگری استقراض از دیگران. در واقع ما با دو بازار اصلی مالی روبرو هستیم یکی بازار اوراق مالکیتی(بازار سهام) که در آن مالکیت پروژه به فروش گذاشته می‌شود و دیگری بازار بدهی که در آن تامین مالی از طریق استقراض صورت می‌گیرد. دولت‌ها که اصولاً باید تولیدکنندهٔ کالاهای عمومی باشند قاعدتاً نمی‌توانند از بازار سهام استفاده کنند اما بخش خصوصی بسته به اهداف و نیازهای خود می‌تواند از هر دویبازار برای تامین مالی استفاده کند. البته بیمه‌ها هم بخش مهمی از نظام مالی هستند که اینجا موضوع بحث ما نیست.

تاکنون تلاش‌های متعددی برای انطباق ابزارهای متداول جهانی با احکام اسلامی صورت گرفته است. به نظر جنابعالی کارایی چنین ابزارهایی در مقایسه



دکتر موسی غنی‌نژاد در نشست با مدیران هیات مدیره بانک ملی در سال ۱۳۹۰. در این نشست، غنی‌نژاد به موضوع تامین مالی در اقتصاد ایران و راهکارهای آن پرداخت.

بازار سرمایه به‌طور کلی از دو بازار ابزارهای مالکیتی (مانند سهام) و بازار بدهی (متشکل از ابزارهای مبتنی بر بدهی) تشکیل شده است. هرچند در کشورهای متعددی اندازه بازار بدهی بزرگتر از بازار سهام و حتی در مواردی چند برابر آن است، لیکن در کشور ما بازار بدهی (غیر از سیستم بانکی) سهم بسیار ناچیزی در بازار سرما به دارد. به نظر جنابعالی دلیل این توسعه نیافتگی چیست و تاکنون چه اثراتی بر بنگاه‌ها و سیستم بانکی ما داشته است؟

دلیل این توسعه نیافتگی بازار سرمایه همان است که در بالا در خصوص عقد قرض اشاره شد. ربا تلقی کردن هرگونه عقد قرض مبتنی بر بهره مانع توسعهٔ بازار بدهی‌ها به عنوان بزرگترین جزء بازار سرمایه شده است. مهم‌ترین عارضهٔ فقدان بازار بدهی‌ها دو جنبه دارد یکی معلوم نبودن نرخ بهرهٔ حقیقی بازار و دیگری فشار به نظام بانکی و به خصوص بانک مرکزی برای تامین نقدینگی لازم برای عملکرد نظام اقتصادی، چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی. این فشار نهایتاً به افزایش پایهٔ پولی و تورم می‌انجامد. علت اصلی وجود و بقای تورم مزمن و دو رقیمی در کشور ما عمدتاً همین معضل است. اگر ما بازار بدهی گسترده و کارآیی داشتیم بخش بزرگی از نیاز نقدینگی جامعه را می‌توانستیم با همین بازار تامین کنیم بدون اینکه پایهٔ پولی و حجم نقدینگی افزایش یابد. اکثریت کشورهای دنیا مشکل تورم‌های بالا را عمدتاً از همین طریق حل کرده‌اند. البته خوشبختانه باید گفت که در سال‌های اخیر تدابیر لازم برای ایجاد ابزارهای اسلامی به منظور فائق آمدن به این مشکلی فقدان بازار بدهی‌ها اندیشیده شده است. ابزارهایی مانند اوراق خزانه اسلامی، صکوک اجاره، اوراق مرابحه و غیره از جمله این تدابیر هستند که متأسفانه هنوز به طور موثری به کار گرفته نشده‌اند.

به نظر می‌رسد برای توسعه ابزارهای مالی نوین در کشور نیاز به نهاده‌ا و مقررات مناسب و همچنین تدوین استانداردهای مناسب از جمله استانداردهای حسابداری ویژه باشد. از دیدگاه جنابعالی، نهاده‌ا و مقررات موجود به چه میزان در این زمینه موفق عمل کرده‌اند و چه کمبودهایی در این زمینه احساس می‌شود؟

ما در این زمینه نسبت به بقیهٔ دنیا بسیار عقب هستیم. نظام بانکی ما هنوز استانداردهای بازل یک را نتوانسته یا نخواسته به درستی اجرا کند در حالی که الان مقررات بازل سه در دنیا مطرح است. ما حسابداران خیره

و وارد کم نداریم، مشکل ما بیشتر مقررات و نهادهای نامناسب یا بهتر بگویم بروکراسی بسیار ناکارآمد است. و فراتر از این‌ها، مشکل بسیار بزرگ در نظام بانکی و مالی رسمی ما نبود اراده سیاسی کافی برای اجرای حتی همین قوانین و مقررات موجود است. فعالیت صدها موسسه مالی فاقد مجوز رسمی از بانک مرکزی که حجم زیادی از نقدینگی را خارج از هر گونه کنترل مقامات مسئول پولی، در اختیار دارند مصداقی از این سخن است. واضح است که تا وقتی این مشکل حل نشود صرف تدوین قوانین و مقررات هرچند هم پیشرفته باشند دردی را دوا نخواهد کرد.

آیا به نظر جنابعالی امکان ورود بازار سرمایه کشور به بازارهای بین‌المللی و عرضه شرکت‌ها در بورس‌های جهانی و تامین مالی آنها از طریق سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد؛ و در صورت امکان چه اقداماتی باید در این زمینه صورت گیرد؟

تا زمانی که بازار سرمایه کشور ما تا این حد محدود و ناکارآمد است و نمی‌تواند سرمایه‌های داخلی را به اندازه کافی جذب کند از ورود آن به بازارهای بین‌المللی نمی‌توان انتظار معجزه داشت. البته من کاملاً با باز کردن بازار سرمایه به سرمایه‌گذاران خارجی موافقم اما موفقیت در این خصوص را منوط به اصلاحات سیستم مالی و بانکی کشور در جهت هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی می‌دانم.

یکی از راه‌های پیشنهاد شده برای کاهش بدهی دولت به پیمانکاران و نهادهای مختلف و در نتیجه افزایش اعتبار آن، انتشار اوراق مشارکت دولتی به عنوان یکی از ابزارهای مبتنی بر بدهی است. این در حالی است که مصوبات بودجه سال‌های قبل در زمینه انتشار این اوراق عملکرد مناسبی نداشته است. به نظر شما تا چه حد این پیشنهاد عملی است و در صورت عملی بودن دولت چه اقداماتی باید در این زمینه انجام دهد؟

اوراق مشارکت دولتی مفهوم متناقضی است چراکه دولت اساساً تولیدکنندهٔ کالاهای عمومی است و این کالاهـا بازدهی مالی ندارند که بتوان در آن‌ها مشارکت کرد. آنچه در همه جای دنیا مرسوم است انتشار اوراق خزانه یا اوراق قرضهٔ دولتی است که با درآمدهای مالیاتی آتی، اصل و فرع آن‌ها بازپرداخت می‌شود. علت این که اوراق مشارکت دولتی در گذشته موفق نبودند به ماهیت آن‌ها بر می‌گردد که کاملاً متفاوت با اوراق قرضه بودند و تسورم می‌انجامد. علت اصلی وجود و بقای تورم مزمن و دو رقیمی در کشور ما عمدتاً همین معضل است. اگر ما بازار بدهی گسترده و کارآیی داشتیم بخش بزرگی از نیاز نقدینگی جامعه را می‌توانستیم با همین بازار تامین قبل از سررسید آن را به بانک‌های عامل بفروشد و اصل و فرع خود را دریافت نماید. نهایتاً مثل این بود که دولت از بانک‌ها وام گرفته است، دولت باید با صدور اوراق خزانه مستقیماً آن‌ها را در بازار سرمایه بفروشد تا از یک طرف نرخ حقیقی بهره در بازار تعیین شود و از طرف دیگر فشار از روی منابع بانک‌ها برداشته شود و نقدینگی فعالان بازار به دولت منتقل گردد نه اینکه دولت از سپرده‌های بانک‌ها تامین مالی کند.

در شرایط فعلی که بسیاری از صاحبان بنگاه‌ها و به‌ویژه بنگاه‌های کوچک نسبت به کمبود نقدینگی و ناتوانی سیستم بانکی در زمینه رفع این کمبود گله‌مند هستند، آیا گسترش استفاده از اوراق بدهی شرکتی و عرضه عمومی آن می‌تواند گره‌گشای این بنگاه‌ها باشد؛ در این صورت وظایف دولت، بنگاه‌ها و سیستم بانکی در این زمینه به چه صورت خواهد بود؟

بله. همان‌گونه که در بالا اشاره شد باید از طریق گسترش بازار بدهی‌ها فشار را از روی نظام بانکی برداشت تا بانک‌ها بتوانند پاسخگوی متقاضیان به ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط باشند. در حال حاضر بسا توجه به

محدودیت بازار سهام، عملاً تنها منبع تامین مالی اقتصاد ملی، چه برای دولت و چه برای بخش خصوصی، نظام بانکی کشور است. این نظام بانکی هم به دلایل مختلف، از جمله افزایش شدید معوقه‌های بانکی، منابع کافی برای پاسخگویی به نیاز طیف وسیعی از متقاضیان را ندارد. با ترویج بازار بدهی‌ها، از یک سو دولت می‌تواند منابع مورد نیاز خود را با انتشار اوراق خزانه مستقیماً از بازار سرمایه تامین کند و از سوی دیگر بنگاه‌های بزرگ و معتبر نیز می‌توانند با تکیه بر برخی عقود اسلامی مانند اوراق صکوک و اوراق مرابحه بخش مهمی از نیازهای مالی خود را از طریق بازار سرمایه برآورده سازند. به این ترتیب بانک‌های تجاری خواهند توانست به وظیفهٔ اصلی خود یعنی تامین سرمایه در گردش بنگاه‌های کوچک و متوسط بپردازند. واضح است که چنین کاری مستلزم کنار گذاشتن سیاست‌های دستوری تعیین نرخ بهره و ملاک قرار دادن بازار پول برای تعیین نرخ حقیقی بهره است.

به نظر می‌رسد مفهوم ریسک در زمینه استفاده از ابزارهای مالی مختلف به اندازه مفهوم بازده آنها در بین فعالان اقتصادی کشور ما شناخته شده نیست و همین امر یکی از دلایل عدم توسعه یافتگی این ابزارها و همچنین بازار سرمایه کشور باشد. این در حالی است که با توجه به عدم اطمینان‌های قابل توجه در زمینه تغییرات منغیرهای کلان اقتصادی و عدم ثبات در تصمیم‌گیری‌های دولت، اصولاً باید چنین ابزارهایی (از جمله ابزارهای مشتقه) در کشور توسعه قابل توجهی می‌یافت ولی چنین امری مشاهده نمی‌شود. به نظر جنابعالی، علت این امر چیست؟

واقعیت این است که مفهوم ریسک ریشه در ذات فعالیت‌های اقتصادی دارد و ابزارهای مالی اساساً برای کنار آمدن با ریسک مضمـر (پنهان) در این فعالیت‌ها ابداع شده‌اند. هرچه اقتصاد پیشرفته‌تر باشد ابزارهای مالی متناسب با آن نیز پیچیده‌تر می‌شوند. ریسک در فعالیت‌های اقتصادی امری گریزناپذیر است و هیچ مدیر بنگاه یا سرمایه‌گذاری نمی‌تواند آن را نادیده انگارد. علت ناشناخته ماندن ماندن عامل ریسک یا بهتر بگوییم غفلت از آن و در نتیجه بی‌توجهی به ابزارهای مالی پوشش‌دهنده ریسک، عمدتاً به ساختار دولتی اقتصاد ایران بر می‌گردد. با پیروزی انقلاب اسلامی در کشور ما، همه بانک‌ها و اکثریت قریب به اتفاق بنگاه‌های بزرگ دولتی شدند و تا اوایل دهه ۱۳۸۰ همه بانک‌ها دولتی باقی ماندند. در نگاه‌داری و بانکداری دولتی ریسک چندان مفهومی ندارد همه مدیران کارمندان دولت هستند و با معیارهای اداری و سیاسی برگزیده و برکنار می‌شوند. مدیران دولتی مانند مدیران بخش خصوصی نیستند که پاسخگوی سهامداران باشند، پشتیبانی اداری و سیاسی برای حفظ موقعیت و منافع آن‌ها کافی است. از این رو در چنین سیستمی هیچ مدیری نگران ریسک اقتصادی تصمیمات خود نیست، در نتیجه مسئله ریسک مالی و طبیعتاً پوشش آن محلی از اعراب ندارد. هیچ بانک و بنگاه بزرگی در کشور ما ورشکست نشده و هیچ مدیر دولتی به خاطر عملکرد نادرست و مخاطره‌آمیزش هرگز مورد بازخواست قرار نگرفته است. در چنین وضعیتی، برای مدیر، بی‌توجهی به ریسک اقتصادی معقول‌تر از توجه به آن است و او نیازی به شناخت آن احساس نمی‌کند. اتلاف منابع گسترده و ناکارآمدی این چنین نظام اقتصادی دولتی اکنون بر همگان معلوم شده است. در کشور ما هم مقامات بالای حکومتی به این نتیجه رسیده‌اند که اقتصاد دولتی باید به کنار گذاشته شود اما کنار گذاشتن این سیستم ناکارآمد، سوی الزامات دیگر، مستلزم توجه به ریسک و ابزارهای پوشش دهنده آن است. اکنون که اقتصاد ایران در حال گذار از سیستم عمدتاً دولتی به سیستم اقتصادی مبتنی بر بخش خصوصی و اقتصاد رقابتی است ضرورت توجه به ابزارهای مالی نوین و توسعهٔ آن‌ها بیش از پیش احساس می‌شود. اما چنین کاری قیل از همه منوط به راه‌انداختن بازار بدهی‌ها است.



دکتر موسی غنی‌نژاد در نشست با مدیران هیات مدیره بانک ملی در سال ۱۳۹۰. در این نشست، غنی‌نژاد به موضوع تامین مالی در اقتصاد ایران و راهکارهای آن پرداخت.

پس از انقلاب اسلامی در کشور ما این فکر مطرح شد که هر گونه استقراض مبتنی بر بهره، غیرشرعی و ربا است و عقد قرض فقط بدون شرط زیاده، یعنی به صورت قرض الحسنه، می‌تواند قابل قبول باشد.

در بانکداری متعارف دنیا، بانک تجاری نه اصالتاً و نه وکالتاً در پروژه‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری نمی‌کند و صرفاً نقش واسطه‌گری وجوه را دارد.

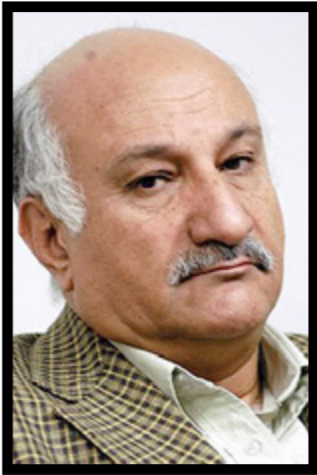
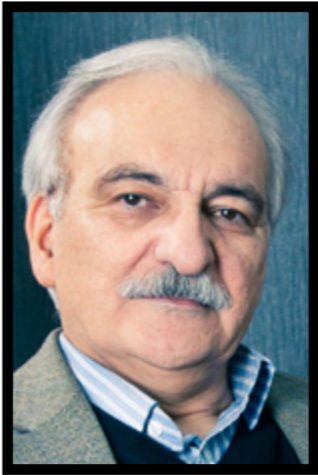
دکتر موسی غنی‌نژاد در نشست با مدیران هیات مدیره بانک ملی در سال ۱۳۹۰. در این نشست، غنی‌نژاد به موضوع تامین مالی در اقتصاد ایران و راهکارهای آن پرداخت.

عقود مبادله‌ای به دنبال آزادسازی نسبی در نظام بانکی و به خصوص شکل‌گیری بانک‌های خصوصی در اوایل دهه ۱۳۸۰ رواج بیشتری یافت و نظام بانکی ما را در مسیر بهتری قرار داد.

در سال‌های اخیر تدابیر لازم برای ایجاد ابزارهای اسلامی به منظور فائق آمدن به این مشکل فقدان بازار بدهی‌ها اندیشیده شده است.

دکتر موسی غنی‌نژاد در نشست با مدیران هیات مدیره بانک ملی در سال ۱۳۹۰. در این نشست، غنی‌نژاد به موضوع تامین مالی در اقتصاد ایران و راهکارهای آن پرداخت.





نسخه‌ای برای اقتصاد

۶ صاحب‌نظر برجسته اقتصادی در نامه‌ای سرگشاده به سیاستگذار پولی پیشنهاد «ایجاد بازار بدهی در ایران» را ارائه کردند. «بازار بدهی (استقراضی)» در کنار «بازار سهام» و «بازار مشتقات» سه رکن اصلی بازار سرمایه را تشکیل می‌دهند که هدف این بازار، ایجاد مکانیزمی برای تامین مالی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدتٔ مخارج بخش خصوصی و دولتی است. اقتصاددانان در این نامه، با بررسی «سه‌م قابل توجه ابزار بدهی از کل بازار سرمایه در دنیا» و «نقش این ابزار در جهت تسریع خروج از رکود کشورها پس از بحران جهانی ۲۰۰۸»، از مزیت‌های ایجاد بازار بدهی رونمایی کردند. امضاکنندگان این نامه، «جلوگیری از قفل شدن منابع بانکی و تسویه بدهی دولت به پیمانکاران»، «کشف نرخ بهره بر اساس عرضه و تقاضا»، «جذب نقدینگی‌های سرگردان از بازارهای دارایی»، «تقسیم وظایف تامین مالی در بازار پول و بازار سرمایه بر اساس اندازه بنگاه‌ها»، «تزریق غیر تورمی منابع مالی به اقتصاد»، «کاهش مسوولیت بانک مرکزی در تامین مالی و تمرکز این نهاد در کنترل تورم» و «افزایش شفافیت در فضای کسب‌و کار» را هفت دستاورد اصلی بازار بدهی عنوان کردند. اقتصاددانان لازمه تکامل چنین بازاری را ایجاد موسسات رتبه‌بندی اعتباری در جهت اعتبارسنجی شرکت‌ها و بهبود قوانین نظارتی دانستند که در کوتاه‌مدت به دلیل نبود این موسسات می‌توان از تضمین بانک‌ها استفاده کرد و در بلندمدت با فعال شدن موسسات رتبه‌بندی این وظیفه به آنها محول خواهد شد. دکتر پرویز عوقیلی، دکتر موسی غنی‌نژاد، دکتر محمد مهدی بهکیش، دکتر ابوالقاسم‌هاشمی، دکتر جلال‌الدین جلالی و دکتر محمد طبیبیان ۶ امضاکننده در پایان این نامه، بر راه‌اندازی و پیاده‌سازی صحیح آن بر اساس تجربه‌های موفق جهانی تاکید کردند و هشدار دادند مدیریت نامناسب این طرح می‌تواند تکرار این تجربه موفق جهانی را ناکام سازد. متن نامه به این شرح است:

◆ اقتصاد ایران اغلب در چرخه‌ای گرفتار بوده که در برخی

دوره‌ها شاهد رشد اقتصادی بالا توأم با رشد زیاد نقدینگی و به تبع آن تورم بالا و در دوره‌های دیگر شاهد رشد اقتصادی اندک همراه با رشد کم نقدینگی و نرخ تورم پایین بوده است، اما از سال ۹۱ این موازنه معکوس، شکلی دیگر به خود گرفت. با ورود اقتصاد ایران به رکود تورمی که از آغاز بهار ۹۱ شروع شد و تا پایان زمستان ۹۲ ادامه یافت، ۸٫۶ درصد از حجم تولید، ۳٫۲ درصد از حجم مصرف و ۲۹ درصد از حجم سرمایه‌گذاری کاسته شد و این وضعیت در شرایطی تجربه شد که نرخ تورم و رشد نقدینگی در سطوح بالایی قرار داشت. مدت‌های طولانی بود که از یکسو سیاست‌گذاران پولی کشور بخش قابل ملاحظه‌ای از مشکلات اقتصادی و به‌خصوص ماندگاری تورم دورقمی را به رشد نقدینگی و اعتبارات بانکی بی‌تناسب با اقتضات اقتصاد کلان منتسب می‌کردند و از سوی دیگر فعالان اقتصادی عدم‌دسترسی تولیدکنندگان به نقدینگی لازم، به‌خصوص از ناحیه بخش بانکی را یکی از محدودیت‌های اساسی بخش تولید عنوان می‌کردند، اما در دوره اخیر با وجود رشد بالای نقدینگی و اعتبارات بانکی، نه تنها از مشکلات بخش تولید کاسته نشده؛ بلکه افزایش نرخ تورم بر مسائل قبلی افزود تا بالا بودن نقدینگی در سطح کلان و احساس کمبود آن در سطح خرد کامکان باقی بماند. در دو سال گذشته نیز گرچه با برخی سیاست‌های انضباطی و پرهیز دولت از استقراض از بانک مرکزی نرخ تورم کاهش یافته است، تنگنای حاکم بر بخش تولید زمینه تشدید فشار بر دولت و بانک مرکزی درخصوص انحراف به مسیر سیاست‌های کژدار و مریز گذشته را فراهم آورده است. اگر همین روند ادامه یابد بانک مرکزی ناچار خواهد شد تا پس از یک دوره سیاست انضباطی و کاهش نرخ تورم تا سطح ۱۵ درصد، مجدداً به سیاست‌های انبساطی تورم‌زا روی آورد تا مسیر کاهشی تورم ناتمام بماند؛ رفتاری که در دهه گذشته به کرات مشاهده شده و وضعیت امروز شاهدی بر ناکارآمدی آن است. یک پرسش بنیادی این است که چه عامل یا عواملی سیاست‌گذار پولی را در مدیریت تورم ناکام می‌سازد؟

پرسش دیگر این است که چرا با وجود رشد بالای نقدینگی در اقتصاد ایران به‌عنوان علت پایه‌ای تورم بالا، در سطح خرد مازاد تقاضا وجود دارد و تامین مالی اعتباری بخش تولید ناکافی است؟ **بدهی‌های دولت، معمای نقدینگی و تامین مالی**

زمانی که وضعیت رکودی بر اقتصاد حاکم می‌شود دولت‌ها معمولاً برای مقابله با آن از دو گروه سیاست‌های پولی و مالی استفاده می‌کنند. سیاست‌های مالی تغییراتی هستند که دولت‌ها در بودجه و نحوه هزینه آن در بخش‌های مختلف ایجاد می‌کنند تا به اهداف اقتصادی معینی برسند و سیاست پولی افزایش عرضه پول توسط بانک مرکزی در جهت ایجاد رونق است. تجربه نشان می‌دهد که در دوره‌های مختلف این دو گروه سیاست‌ها در اقتصاد ایران به کار گرفته شده، اما از دل آن کمتر اهداف رشد اقتصادی و افزایش میزان اشتغال توأم با نرخ تورم پایین و پایدار محقق شده است. ریشه این ناکامی به خلأیی بازمی‌گردد که در ساختار اقتصاد ایران وجود دارد و اجازه نمی‌دهد تا سیاست‌گذاری‌های اتخاذ شده به هدف برسند.

دولت در بسیاری مواقع به دلیل بر عهده گرفتن تعهداتی ورای توانایی مالی خود دچار کسری بودجه می‌شود. در ایران به دلیل نبود بازاری متشکل برای تامین کسری‌های ناشی از این تعهدات، در سال‌های مختلف این کسری یا از کانال درآمدهای نفتی تامین شده – که به افزایش واردات، سرکوب تولید و تشدید بیماری هلندی منجر گشته –یا از طریق نظام بانکی تامین شده که در نتیجه آن سه‌م بنگاه‌های تولیدی از منابع محدود بانکی کاهش یافته است. با افزایش بدهی دولت و کاهش توان مالی آن، مطالبات پیمانکاران از دولت نیز پرداخت نشده و انجام نشدن تعهدات به صورت زنجیره‌ای به نظام بانکی و در ادامه به بانک مرکزی منتقل شده است.

در ایسن روند، اقتصاد ایران در معرض دو پدیده مشخص بوده است: قفل شدن منابع بانکی در دست بخشی از تسهیلات‌گیرندگان (عمدتاً به دلیل انجام نشدن تعهدات دولت) و افزایش رشد پایه پولی (به‌واسطه آنکه دولت و بانک‌ها کمبود منابع خود را با استقراض از بانک مرکزی تأمین کرده‌اند). آمارهای اعلام شده از سوی مسوولان دولتی حکایت از آن دارد که دولت در حدود ۲۵۰ هزار میلیارد تومان بدهی دارد. این رقم اگر با میزان تولید ناخالص داخلی مقایسه شود نسبتی در حدود ۲۰ درصد را نشان می‌دهد. یک سوال این است که آیا این نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی «بالا» است؟ آخرین آمارها حاکی از آن است که نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی در امارات متحده عربی ۴۳ درصد، در ترکیه ۳۹ درصد و در ژاپن متجاوز از ۲۰۰ درصد است. در اکثر کشورهای دیگر نیز نسبت مورد اشاره به مراتب از ایران بالاتر است. با این حساب حجم بدهی دولتی در ایران بالا نیست؛ بنابراین سوال دومی پیش می‌آید که چرا در آن کشورها، برخلاف ایران، منابع در اقتصاد منجمد نمی‌شوند؟



برای تامین مالی مواد اولیه خود به انتشار اوراق مریحه در بازار اوراق استقراضی اقدام کنند. به‌منظور تسهیل و تشویق حضور بنگاه‌های تولیدی در بازار بدهی غیربانکی، ارائه پارهانه مالیاتی از محل مالیات سال‌های آتی بنگاه‌ها مطرح شده است. در این پیشنهاد میزان پارهانه مالیاتی از مالیات سال‌های آتی شرکت‌های تولیدی به تعداد کارکنان و میزان افزایش آن در سسال استفاده از اوراق پیوند خورده است. برای کاهش اثرات جانبی نامطلوب احتمالی، سقف انتشار این اوراق به عملکرد گذشته شرکت، براساس آنچه در اظهارنامه‌های مالیاتی منعکس شده، وابسته شده که این امر به افزایش شفافیت شرکت‌ها نیز کمک خواهد کرد. از سوی دیگر تمام یا بخشی از عدم‌النفع دولت (ناشی از معافیت مالیاتی در سال‌های آتی) نیز با افزایش میزان استفاده شرکت‌های تولیدی از ظرفیت بلااستفاده کنونی (به خاطر تامین سرمایه در گردش موردنیاز؛ بنابراین افزایش تولید و درآمد آنها) جبران می‌شود. نکته قابل‌توجه دیگر نظرات تخصصی بانک‌ها درخصوص اعتبارسنجی دقیق شرکت‌های موضوع پیشنهاد و کسب اطمینان بانک‌ها از محل مصرف وجوه توسط بنگاه‌ها است که باید در قراردادهای موضوع انتشار اوراق بر آن تاکید شود.

دستاوردهای نهاد جدید

توسعه بازار اوراق استقراضی علاوه‌بر کمک به ایجاد تنوع در روش‌های تامین مالی تولید کشور، دستاوردهای دیگری نیز به همراه دارد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- راه‌اندازی این بازار از قفل شدن منابع بانکی جلوگیری می‌کند. عدم‌نفذشوندگی بدهی‌های دولت به پیمانکاران، با وجود نسبت پایین این بدهی‌ها به تولید ناخالص داخلی، یکی از چالش‌های اصلی فضای کسب و کار است. بخش دولتی به جای انباشت بدهی‌های خود می‌تواند طبق یک برنامه مشخص با انتشار اوراق استقراضی با سررسیدهای متفاوت، منابع لازم برای کاهش بدهی‌های خود به پیمانکاران را تامین کند. واضح است که نرخ سود این اوراق متناسب با طول دوره انتشار آنها، متفاوت خواهد بود.

۲- وجود یک بازار متشکل برای اوراق استقراضی زمینه‌ساز ایجاد نهادی می‌شود که در آن نرخ بهره براساس عرضه و تقاضا تعیین شود. به این ترتیب، ایجاد و توسعه این بازار به سیاست نادرست تعیین دستوری نرخ بهره خاتمه خواهد داد.

۳- وجود یک بازار فعال برای اوراق استقراضی شرکتی می‌تواند به‌عنوان پشتیبانی برای سیستم بانکی و بازار سهام عمل کند. در صورت وقوع شوک‌های مختلف در این بازارها (به دلایلی چون تغییرات نرخ سود)، نقدینگی جامعه بین بازارهای بدهی و سهام جریان خواهد یافت و به این ترتیب از حرکت نقدینگی‌های سرگردان بین بازارهایی چون ارز، مسکن، طلا و … جلوگیری خواهد شد.

۴- با توسعه بازار بدهی و متنوع شدن ابزارهای بدهی قابل‌مبادله، وظیفه تامین مالی تولید در میان نهادهای متولی آن تقسیم خواهد شد. به این ترتیب توانایی بانک‌ها در انجام وظیفه اصلی خود که تأمین مالی کوتاه مدت شرکت‌های تولیدی است، افزایش خواهد یافت. در این چارچوب شرکت‌های کوچک و متوسط از سوی بانک‌ها تامین مالی شده و تامین مالی شرکت‌های بزرگ و نیز دولت از طریق بازار بدهی صورت خواهد گرفت و گذار از اقتصاد بانک‌محور به اقتصاد بازارمحور محقق خواهد شد.

۵- تجربه بحران اخیر اقتصادی جهان نشان داد زمانی که بانک‌های مرکزی مصمم به تزریق پول به اقتصاد باشند، می‌توانند

معمولاً شرکت‌های بزرگ‌تر و دارای اعتبار بیشتر از ابزارهای موجود در بازار بدهی برای تامین منابع جدید مورد نیاز خود کمک می‌گیرند. نهادهای مختلف بین‌المللی به‌طور مرتب به عواقب وخیم عمق کم بازارهای مالی کشورهای در حال توسعه و وابستگی بیش از حد اقتصاد آنان به منابع سیستم بانکی اشاره کرده و بر لزوم ایجاد ساختارهای متنوع مالی تاکید کرده‌اند. در این زمینه می‌توان به بحران بانکی سال‌های ۱۹۹۸–۱۹۹۷ کشورهای آسیای جنوب شرقی اشاره کرد که نبود تنوع در نهادهای واسطه‌گری مالی آنها باعث تشدید و طولانی شدن این بحران شد. آموزه‌های این تجربه نشان می‌دهد در صورت اختلال کانال‌های اصلی واسطه‌گری مالی در یک اقتصاد، وجود مسیرهای دیگر برای تبدیل پس‌اندازها به سرمایه‌های قابل‌استفاده از گسترش بحران جلوگیری می‌کند. با وجود توسعه نسبی بازار سهام در ایران تاکنون اقدامی جدی برای ایجاد و توسعه یک بازار اوراق استقراضی فعال صورت نگرفته است. خلأ چنین بازاری منجر به ایجاد فشار مضاعف بر منابع محدود سیستم بانکی شده و در نتیجه با ایجاد محدودیت در فرآیند تامین مالی شرکت‌ها، به ناکارآمدی و عدم شفافیت فرآیند تسهیلات‌دهی بانک‌ها منجر شده است و در نهایت منابع به طریز غیربهینه تخصیص می‌یابند.

شرایط کنونی و یک پیشنهاد

با توجه به نکات گفته شده، امضاکنندگان این نامه چارچوبی را پیشنهاد کرده‌اند که زمینه خروج از تنگنای اعتباری کنونی به شکل غیرتورمی را فراهم خواهد ساخت. در این چارچوب با توجه به شرایط اقتصاد ایران پیشنهاد می‌شود در کنار بازار سهام، یک بازار استقراضی شکل گیرد تا از طریق آن زمینه تامین مالی هر چه بهتر بخش خصوصی و دولتی فراهم شود. با ایجاد و توسعه بازار اوراق استقراضی در کنار توسعه بازار سهام، بازاری کامل شکل می‌گیرد که می‌تواند به بهترین شکل وظیفه واسطه‌گری مالی را به عهده گرفته و از هزینه‌های بنگاه‌ها (خصوصاً بنگاه‌های بزرگ‌تر) بکاهد و به افزایش شفافیت مالی کمک کند. لازمه تکامل چنین بازاری ایجاد موسسات رتبه‌بندی اعتباری برای اعتبارسنجی شرکت‌ها و بهبود قوانین نظارتی حاکم است. با توجه به زمانبر بودن ایجاد چنین نهادهایی در کوتاه‌مدت، در دوره قبل از تشکیل موسسات رتبه‌بندی مورد اعتماد مردم می‌توان از تضمین بانک‌ها برای شرکت‌های درخواست‌کننده منابع استقراضی از طریق بازار سرمایه کمک گرفت.

البته بانک‌ها نیز قاعدتاً تنها موسساتی را تضمین خواهند کرد که از توانایی بازپرداخت بدهی‌شان از محل فعالیت‌های جاری اطمینان داشته باشند. در دوران ابتدایی شکل‌گیری بازار و با توجه به آشنایی کمتر مردم با این اوراق، اوراق استقراضی با سررسید کوتاه‌مدت‌تر و با تضمین بانکی در سررسید منتشر خواهند شد. اما می‌توان پس از چند سال با افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و فعال شدن موسسات رتبه‌بندی مذکور و با بررسی‌ها عنوان می‌دهد طول مدت خروج از رکود کشورهای که دارای بازار استقراضی پیشرفته بوده‌اند چندین فصل کوتاه‌تر از کشورهای بوده که در آنها بازار استقراضی وجود نداشته یا توسعه کمتری داشته است. در عینیت یک بازار اوراق استقراضی فعال، شرکت‌ها برای تامین منابع مالی خود به‌شدت به سیستم بانکی وابسته خواهند بود در حالی که نقش اصلی بانک‌ها در تامین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط و به‌ویژه در بخش حوزه سرمایه در گردش آنها، نمود پیدا می‌کند.

این سیاست را از طریق خرید اوراق در بازار استقراضی اعمال کنند. اجرای سیاست تسهیل مقداری (Quantitative Easing) در آمریکا، که موجب رونق اقتصادی بدون افزایش قابل‌توجه نرخ تورم شد، از همین طریق صورت گرفت. با این سیاست در حالی که نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی در اقتصاد آمریکا به‌واسطه اجرای سیاست تسهیل مقداری از حدود ۶۸ درصد به ۸۸ درصد رسید، نرخ تورم افزایشی را تجربه نکرد. بازار استقراضی به دلیل آنکه کانال ارتباطی بی‌واسطه بانک مرکزی آمریکا با شرکت‌ها بود، به‌عنوان ضربه‌گیر تورم عمل کرد. توسعه چنین بازاری در ایران نیز می‌تواند به چرخه رشد اقتصادی همراه با سیاست‌های انبساطی تورم‌زا پایان دهد.

۶- توسعه بازار استقراضی از بار مسوولیت بانک مرکزی در تامین مالی تولید خواهد کاست. در این حالت بانک مرکزی می‌تواند مانند سایر بانک‌های مرکزی دنیا به مسوولیت اصلی خود که کنترل تورم است بپردازد و بخش قابل‌توجهی از تامین مالی تولید از طریق بازار اوراق استقراضی صورت گیرد. ۷- تغییر شیوه تامین مالی تولید در ایران به تامین مالی از طریق بازار استقراضی می‌تواند به افزایش شفافیت فضای کسب و کار منجر شود. وابسته کردن درجه استفاده بنگاه‌ها از این ابزار به صورت‌های مالی آنان و پرداخت پارهانه احتمالی نرخ سود به بنگاه تولیدکننده آنان، می‌تواند زمینه ایجاد شفافیت بیشتر در فعالیت بنگاه‌ها را فراهم کند.

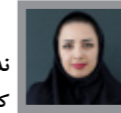
در مجموع، ایجاد و توسعه بازار اوراق بدهی، ثبات بازارهای مختلف را افزایش داده و تامین مالی بنگاه‌ها را تسهیل و تسریع خواهد کرد و این امر به تامین کم‌هزینه‌تر مواد اولیه بنگاه‌ها و افزایش تولیدات داخلی و در نهایت خروج غیرتورمی از رکود کمک خواهد کرد. هم‌زمان، کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد از تکان‌های وارد شده به بازارهای مختلف، زمینه را برای ایجاد ثبات اقتصادی بیشتر کرده و جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز مساعدتر خواهد شد. امید است با توجه به مزایای گسترش بازارهای بدهی برای رشد و توسعه اقتصادی کشور، به‌ویژه در شرایط کنونی، شاهد اقدامات اثرگذار در این زمینه باشیم.

سخن آخر

بازار بدهی اختراع جدیدی نیست، بلکه ابزاری تجربه شده در اغلب کشورها است که توانسته علاوه‌بر رونق اقتصادی، زمینه‌ساز استقلال بیشتر سیاست‌گذار پولی شود. پیشنهاد راه‌اندازی این بازار در ایران نیز به اعتبار چنین تجربه موفقی ارائه شده است. براساس همین تجربه پیش‌بینی می‌شود که راه‌اندازی و پیاده‌سازی صحیح این بازار علاوه‌بر آنکه می‌تواند زمینه‌ساز رونق اقتصادی و خروج غیر تورمی از رکود شود، زمینه‌ساز اصلاح ساختار در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی نیز باشد. در حال حاضر در ایران به بانک مرکزی به‌عنوان سیاست‌گذار پولی و در برخی دوره‌ها توأمان به‌عنوان تأمین‌کننده مالی دولت نگرینسته می‌شود و این امر یکی از دلایل مزمن شدن تورم در اقتصاد ایران بوده است. با ایجاد بازار بدهی، سیاست‌گذار پولی می‌تواند به ماموریت‌های اصلی خود بپردازد و تامین مالی، همانند اقتصادهای پیشرفته دنیا، از مسیر بازار سرمایه انجام شود. در پایان این نکته را نیز باید تذکر داد که موفقیت این بازار در گرو طراحی و پیاده‌سازی صحیح آن است؛ مدیریت نامناسب این طرح می‌تواند تکرار این تجربه موفق جهانی را ناکام سازد. ■

منبع: روزنامه «دنیای اقتصاد» متن این نامه را به طور کامل در شماره ۳۵۰۱ خود به تاریخ سه‌شنبه ۱۹ خرداد ۱۳۹۴

تامین مالی بر اساس سررسید



ندا بیات

کارشناس تحقیقات اقتصادی بانک خاورمیانه

تامین مالی کوتاهمدت

تامین مالی کوتاهمدت، نوعاً برای پشتیبانی سرمایه‌گذاری موقت دارایی‌های جاری مورد استفاده قرار می‌گیرند. معمولاً مدیر مالی پس از برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری در دارایی‌های جاری و پیش‌بینی منابع مورد نیاز واحد اقتصادی در سال آینده، باید به فکر تامین مالی برنامه خود باشد و در مورد شیوه تامین مالی تصمیم‌گیری کند. معمولاً برای تامین مالی سرمایه‌گذاری موقت در دارایی‌های جاری، از وام کوتاهمدت استفاده می‌شود. در جدول زیر، روش‌های تامین مالی کوتاهمدت نشان داده شده است.

| نام روش | تعریف | مزایا | معایب | استفاده‌کنندگان |
|--|--|--|---|--|
| ۱ اعتبار تجاری (خرید نسبه کالا یا خدمت) | دریافت کالا و پرداخت وجه آن با فاصله زمانی | سهولت دسترسی / نداشتن هزینه / عدم نیاز به وثیقه / عدم سخت‌گیری طلبکاران | متورم شدن حساب‌های پرداختی / از دست رفتن تخفیف نقدی / کاهش درجه اعتباری واحد اقتصادی | کلیه واحدهای اقتصادی |
| ۲ اوراق تجاری (اوراق قرضه)، کوتاه مدت | بدهی بدون تضمین واحد اقتصادی انتشاردهنده و بازپرداخت آن در سررسید | نداشتن وثیقه / امکان تنظیم سررسید (زمان بازخرید) اوراق. تامین مالی از طریق اوراق قرضه جدید (منبع مالی مستمر) | شرکت‌های بیمه / صندوق مشترک سرمایه‌گذاری / صندوق بازنشستگی | |
| ۳ وام‌های بانکی (با وثیقه، بدون وثیقه) | دریافت وجه مورد نیاز از بانک‌ها | استفاده از خدمات بانک‌ها / استفاده از منبع مالی در موعد مقرر / استفاده از تمام یا قسمتی از اعتبار تخصیص یافته / امکان بازپرداخت قبل از سررسید بدهی | سود تضمین شده وام بیش از بسیاری از روش‌های دیگر است / لزوم داشتن سرمایه کافی و نقدینگی مطلوب / مانده‌های جبرانی | کلیه واحدهای اقتصادی |
| ۴ وام‌های موسسات مالی تجاری | دریافت وجه مورد نیاز از موسسات مالی | در صورت نبود امکان دریافت وام از بانک‌ها قابل استفاده است. | دارای سود تضمین شده بیشتری از وام است. / نیاز به وثیقه برای وام | کلیه واحدهای اقتصادی |
| ۵ صدور اسناد تجاری | اوراق بهادار قابل مبادله است که توسط واحدهای اقتصادی به سایر واحدها، بانک‌ها یا موسسات مالی فروخته می‌شود. | سود تضمین شده کمتر از وام بانکی است. بدون وثیقه است. | صرفاً توسط واحدهای اقتصادی قابل اعمال است. تشریفات بیشتری دارد. | واحدهای اقتصادی بزرگ در کشورهای صنعتی |
| ۶ تامین مالی از طریق وثیقه‌گذاری | دریافت وجه مورد نیاز و گذاشتن وثیقه نزد اعتباردهنده | دسترسی به وجه نقد | وثیقه‌گذاری مستلزم تحمل هزینه‌های اضافی است. | واحدهای اقتصادی جدیدالتاسیس |
| ۷ وثیقه‌گذاری حساب‌های دریافتی | وثیقه حساب‌های دریافتی است | دسترسی به وجه نقد به‌طور فوری | وضعیت مالی باید حتماً قوی باشد و مانده حساب‌های دریافتی در حد قابل قبولی باشد. | واحدهای اقتصادی که به سرعت رشد می‌کند. |
| ۸ وثیقه موجودی کالا است | وثیقه موجودی کالا است | دسترسی سریع به وجه نقد به‌طور فوری | سود تضمین شده بیش از حداقل بهره بانکی است | بنگاه‌های معاملات اتموبیل. |
| ۹ وثیقه‌گذاری سایر دارایی‌ها مانند زمین، ساختمان، ماشین‌آلات و تجهیزات | مشابه اوراق فوق | مشابه موارد فوق | سود تضمین شده بیش از حداقل بهره بانکی است. | واحدهای اقتصادی که وضعیت مالی آنها ضعیف است. |
| ۱۰ پیش‌دریافت فروش محصولات از مشتریان | دسترسی سریع به وجه نقد | لزوم داشتن پر متقاضی و با کیفیت مطلوب | واحدهای اقتصادی که محصولات پر متقاضی دارند و از نظر کیفیت قیمت‌گذاری برتری و مزیت نسبی در بازار هستند. | |



تامین مالی میان مدت و بلندمدت

در عرصه مدیریت مالی، دوره کوتاه مدت معمولاً به بدهی‌ها مربوط می‌شود که سررسید آن در فاصله‌ای کمتر از یکسال است. اما، اصطلاح ترتیبات تامین مالی بلندمدت به طور دقیق‌تر تعریف نشده است. برخی از واحدهای اقتصادی دوره میان مدت را برای تاریخ‌های سررسید بیش از یکسال و کمتر از ۱۰ سال به کار می‌برند. اما، اصطلاح دوره بلندمدت در مورد سررسیدهای بیش از ۵ سال نیز در برخی موارد به کار می‌رود. بنابراین، فواصل زمانی بین ۵ تا ۱۰ سال با دقت کافی تعریف نشده است. برای بعضی اشخاص ممکن است وام ۸ ساله میان مدت و برای برخی دیگر بلند مدت محسوب شود. لذا در این مقاله تعریف مشخصی از دوره‌های میان مدت و بلند مدت ارائه نمی‌گردد اما به طور کلی وام‌های دارای سررسید بیش از یک تا دو سال بلندمدت نامیده خواهد شد. در جدول زیر، روش‌های تامین مالی میان مدت و بلندمدت ارائه شده است. ■

| نام روش | تعریف | مزایا | معایب | استفاده‌کنندگان |
|---|--|---|---|--------------------------------------|
| ۱ وام‌های بانکی بلندمدت (با وثیقه و بدون وثیقه) | وام‌های بانکی دارای سررسید بیش از یکسال | بهره وام‌های میان مدت و بلندمدت تقریباً ثابت است در موقع انعقاد قرارداد می‌توان درباره شرایط قرارداد مذاکره کرد / مشتریان خوش حساب از تسهیلات بهره‌مند می‌شوند. | مندرجات قراردادهای این وام‌ها محدودیت‌هایی برای واحدهای اقتصادی ایجاد می‌کند / نرخ بهره وام معمولاً بیش از نرخ بهره پایه است / وثیقه‌گذاری واحد اقتصادی محدود می‌شود / پرداخت اقساط سالانه فشار زیادی به نقدینگی می‌آورد. | استفاده‌کنندگان |
| ۲ اجاره‌های بلندمدت (اجاره به شرط تملیک و اجاره عملیاتی) | قراردادی است که به موجب آن مالک دارایی، آن را به طرف دیگر قرارداد اجاره می‌دهد تا در ازای پرداخت مبالغ مشخصی از آن دارایی استفاده کند. | استفاده از دارایی و پرداخت آن به صورت اقساط و در بلندمدت | جدیدالتاسیس در کشورهای صنعتی. / واحدهای اقتصادی صنعت حمل و نقل | |
| ۳ سهام عادی | دارندگان سهام عادی مالکان نهایی شرکت‌اند. شرکت‌های سهام عام سهام خود را به عموم مردم ارائه می‌کند. | فقد سررسید هستند و تامین مالی دائمی است / واحد اقتصادی الزام قانونی برای پرداخت سود سهام عادی ندارد / با انتشار سهام، وضعیت مالکیت و کنترل واحد اقتصادی تغییر نمی‌کند. | کلیه شرکت‌های سهامی | |
| ۴ اوراق قرضه (با نام و بی نام) (بی وثیقه یا با وثیقه) | اسنادی که انتشاردهنده آن تعهد می‌کند مبالغ معینی را در زمان‌های مشخصی به دارنده آنها بازپرداخت کند در موعد مقرر، آن مبلغ را بازپرداخت کند. | هزینه بهره اوراق قرضه قابل قبول مالیاتی است پس از هزینه موثر اوراق قرضه کم است / این روش بر وام‌های کوتاه مدت ارجحیت دارد / برخی از اوراق قرضه قابل تبدیل و بازخرید هستند. | در صورتی که نرخ بازده واحد اقتصادی کمتر از نرخ بهره اوراق قرضه باشد سود هر سهم به شدت کاهش می‌یابد / توانایی در پرداخت اصل و بهره ممکن است موجب ورشکستگی شود / قید محدودیت قرارداد اوراق قرضه محدودیت‌هایی را برای واحد اقتصادی ایجاد می‌کند. | واحدهای اقتصادی دارای اعتبار تجاری |
| ۵ اختیار خرید سهام عادی (نوعی اوراق بهادار است که دارنده آن، حق خرید تعداد معینی از سهام عادی واحد اقتصادی را به قیمت معینی دارد) | برگ اختیار خرید سهام عادی در بازار قابل معامله است. | برگه اختیار خرید سهام عادی در بازار قابل معامله است. | کلیه شرکت‌های سهامی | |
| ۶ سهام ممتاز | نوعی سهام که دارنده آن نسبت به درآمدها و دارایی‌های واحد اقتصادی حق یا ادعای محدود و معینی دارد. | هزینه تامین مالی از طریق سهام ممتاز از سهام عادی کمتر است. / دارندگان سهام ممتاز دارای مزایای محدودی هستند. / سهام ممتاز معمولاً بدون سررسید است. / واحدهای اقتصادی نسبت به پرداخت سود سهام ممتاز الزام قانونی ندارند. / سهامداران ممتاز فاقد حق رای هستند. | اگر بازده واحد اقتصادی کمتر از سود هر سهم عادی کاهش می‌یابد. / هزینه سهام ممتاز از اوراق قرضه و بدهیها بیشتر است. / امکان است وام واحد اقتصادی را با مشکلاتی مواجه کند. | کلیه شرکت‌های سهامی در کشورهای صنعتی |
| ۷ وام‌های موسسات اعتباری | وام‌های بلندمدتی که توسط واحدهای اقتصادی بیمه و موسسات مالی به شرکت‌ها اعطا می‌شود. | این نوع وام‌ها معمولاً نیازمند مانده جبرانی نیست. | نرخ بهره این گونه وام‌ها بیشتر از بهره وام‌های بانکی است. | کلیه واحدهای اقتصادی کشورهای صنعتی |
| ۸ وام‌های دولت | وام‌هایی که توسط دولت اعطا می‌شود. | | شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت | |

منبع: رحیمیان، نظام‌الدین. تاملی در شیوه‌های تامین منابع مالی در واحدهای اقتصادی مجله حسابدار، شماره ۱۴۶، اسفند ماه ۱۳۸۰

تحلیل تحریم‌های ایران در درجه اول نیازمند شناخت و مطالعه تحریم‌های مالی و اقتصادی بین‌المللی و جایگاه آن در روابط بین‌المللی است. در ادامه با نگاهی واقع‌گرایانه و حقوقی این موارد شرح داده می‌شوند:۱- تاریخچه تحریم‌های ایران، ۲- مسیری که برای دستیابی به یک توافق نهایی برای لغو تحریم‌ها تا کنون طی شده و ۳- بیانیه مشترک ایران و گروه ۵+۱ و ابهاماتی که در متن نهایی توافق می‌بایستی حل و فصل گردند.



تحریم‌های مالی و اقتصادی بین‌المللی در یک بررسی اجمالی

♦ **تحریم‌های اقتصادی ابزارهای سیاسی هستند که به منظور**

دستیابی به اهداف سیاسی و امنیت ملی بوسیله توسل به فشار اقتصادی بر کشور هدف مورد استفاده قرار گرفته‌اند. هدف ایجاد

این محدودیت‌های اقتصادی می‌تواند تغییر سیاست کشور

هدف، ارتقای اهداف نظامی کشور فرستنده، تنبیه و مجازات

کشور مورد تحریم باشد. فشار اقتصادی می‌تواند در غالب

استفاده واقعی از تحریم و یا تهدید به ایجاد محدودیت در روابط

مالی و تجاری کشور هدف باشد.

فصل هفتم منشور ملل متحد به شورای امنیت حق داده در

موارد تجاوز به خاک کشور دیگر، نقض تعهدات بین‌المللی، نقض

و یا تهدید صلح و امنیت بین‌المللی از سوی یکی از کشورهای

عضو این سازمان به وضع تحریم‌های بین‌المللی علیه کشور

ناقض متوسل شود.

تحریم‌های مالی و اقتصادی علیه ایران

تاریخچه تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران به سال ۱۳۵۸(۱۹۷۹) بازمی‌گردد. این دور از تحریم‌های گسترده تجاری علیه ایران بر طبق مفاد بیانیه الجزایر با آزادی کارکنان سفارت تسخیر شده آمریکا در ایران به پایان رسید. این کابینه ریگان (Ronald Reagan) بود که در سال ۱۹۸۴ به بهانه حمایت‌های ایران از لبنان، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را تجدید کرد. در این برهه، تحریم‌ها بسیار گسترده بودند و برای صادرات هر نوع کالا با مصرف دوگانه که احتمال داشت در خلال جنگ تحمیلی توسط ایران به مصرف نظامی برسد محدودیت ایجاد می‌کرد. در سال ۱۹۹۶، سرمایه‌گذاری کلیه شرکت‌ها در صنعت نفت ایران تحریم شد. از سال ۲۰۰۵ کلیه سازمان‌ها و افرادی که به نحوی در برنامه هسته‌ای ایران دخالت داشته و یا آن را حمایت می‌کردند مورد تحریم واقع شدند. آخرین موج تحریم‌های آمریکا علیه ایران در سال ۲۰۱۰ بود که کنگره آمریکا طی قانونی گسترده‌ترین و فراگیرترین تحریم‌های تاریخ را علیه بخش انرژی و مالی ایران وضع کرد. در این راستا آمریکا با وضع تحریم‌های ثانویه علیه مؤسسات مالی تمام کشورها که تراکنش‌های فروش نفت ایران را از طریق بانک مرکزی جمهوری اسلامی تسهیل کنند، به تمامی این مؤسسات اخطار داد در صورت نقض قوانین آمریکا در این خصوص از سیستم مالی آمریکا بیرون رانده می‌شوند. اعمال تحریم‌های ثانویه بر موسساتی غیر از موسسات آمریکایی که تابع قوانین آمریکا هستند، در راستای تقویت و پشتیبانی تحریم‌های ایالات متحده علیه برنامه هسته‌ای ایران و اعمال فشار مضاعف بوده است. ایران در پاسخ نه تنها اتهامات ایالات متحده را رد کرده، بلکه همواره به دخالت آمریکا در امور داخلی و تلاش برای منزوی کردن ایران در جامعه جهانی اعتراض کرده است.

تحریم‌های سازمان ملل

پس از آگاهی اژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تاسیس مرکز غنی‌سازی نطنز و راکتور آب سنگین اراک در سال ۲۰۰۳، این سازمان خواستار بازرسی از تمامی تأسیسات هسته‌ای در حد و اندازه‌ای شد که فراتر از آنچه در متن معاهده "منع گسترش تسلیحات هسته‌ای" آمده است. گرچه اژانس ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران را تأیید می‌کرد، علت این بازرسی‌ها کسب اطمینان از عدم وجود فعالیت‌های افشا نشده در تأسیسات هسته‌ای ایران در جهت اهداف نظامی اعلام می‌شد.

در این میان، "بیانیه تهران" میان سه عضو اتحادیه اروپا – فرانسه، آلمان و انگلستان – و ایران در جریان بود. هدف از این مذاکرات واگذاری امتیازهایی به ایران در ازای تعلیق برنامه هسته‌ای بود. در سال ۲۰۰۵ با تأکید ایران بر ماهیت صرفاً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای و اعلام مغایرت درخواست کشورهای غربی مبنی بر انصراف دایم از دستیابی به انرژی هسته‌ای با حق

قانونی و مشروع ایران – بر طبق معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای – این دور از مذاکرات متوقف شد.

به منظور اجبار ایران سه رضایت در برابر بازرسی‌های اجباری اژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تعلیق برنامه هسته‌ای تا آن زمان، شورای حکام اژانس به شورای امنیت متوسل شد. در نتیجه شورای امنیت در سال ۲۰۰۶ با صدور قطعنامه ۱۶۹۶ با ابراز نگرانی در مورد برنامه هسته‌ای ایران خواستار تعلیق آن شد. در پاسخ ایران مجدداً بر ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای و عدم تهدید از جانب ایران علیه صلح و امنیت بین‌المللی تأکید کرد. به علت ایستادگی ایران در موضع عدم تعلیق برنامه هسته‌ای، شورای امنیت طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ با صدور چهار قطعنامه هرگونه مبادله تجاری و حمایت مالی در زمینه انرژی هسته‌ای کشور ایران را تحریم کرد. در تمامی این قطعنامه‌ها این نکته خاطرنشان شده که هدف از تحریم‌ها صرفاً متقاعد کردن ایران به اجرای درخواست‌های اژانس می‌باشد و به محض رعایت این نکات از تمامی تحریم‌ها رفع اثر خواهد شد.

تحریم‌های اتحادیه اروپا

گرچه قطعنامه‌های شورای امنیت صریحاً به تمامی کشورهای سازمان ملل اعلام نموده که وضع تحریم‌های فراتر از چارچوب نظام تحریم شورای امنیت ضروری نیست اما از سال ۲۰۱۰ شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا محدودیت‌های گسترده‌ای را علیه بخش انرژی و مالی ایران اعمال کرد. از جمله مهم‌ترین تحریم‌ها می‌توان به خودداری اتحادیه اروپا از خرید نفت خام ایران و بیمه‌کردن کشتی‌های نفت‌کش حامل نفت ایران اشاره نمود. همچنین "جامعه جهانی ارتباطات مالی بین بانکی" – SWIFT – به ارتباط با بانک‌های ایرانی خاتمه داد. هدف از وضع این محدودیت‌های مالی و اقتصادی کسب اعتماد بین‌المللی از ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران اعلام شد.

واکنش ایران به تحریم‌های بین‌المللی
ایران همواره مشروعیت تحریم‌های سازمان ملل و اقدامات یک‌جانبه ایالات متحده و اتحادیه اروپا را مورد تردید جدی قرار داده و بسا رویکرد اقتصاد مقاومتی در حدود یک دهه در مقابل تحریم‌های بین‌المللی علیه حق قانونی استفاده صلح‌آمیز هسته‌ای هسته‌ای ایستادگی کرده است. واقعیت این است که در گزارش‌های اژانس هیچگاه مدرکی دال بر انحراف برنامه هسته‌ای ایران ارائه نشده و در هیچ یک از قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران نقض و یا تهدید صلح و امنیت بین‌المللی از جانب برنامه هسته‌ای ایران تصریح نشده است. این نکات و گزینشی عمل کردن سازمان ملل در نادرید گرفتن فعالیت‌های هسته‌ای کشورهای چون هند و پاکستان در سال‌های اخیر، از جمله عواملی است که بر مبنای آن ایران اعتبار تحریم‌های بین‌المللی را زیر سوال برده است.

تأثیر تحریم‌ها بر برنامه هسته‌ای ایران و ادامه مذاکرات
پس از ارزیابی تأثیر فشارهای اقتصادی بر متوقف ساختن برنامه هسته‌ای ایران توسط کشورهای فرستنده و با فراهم شدن زمینه در ایران پس از آغاز به کار دولت آقای روحانی در سال ۲۰۱۳، مذاکرات ایران به نمایندگی محمد جواد طریف، با گروه ۵+۱ (پنج عضو دائم شورای امنیت: انگلستان، آمریکا، فرانسه، روسیه، چین به‌اضافه آلمان) در ژنو از سر گرفته شد. حاصل مذاکرات ژنو دستیابی به یک توافق موقت (برنامه اقدام مشترک) و در نهایت تلاش برای یافتن راه‌حلی نهایی در زمینه تضمین ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران و متعاقباً لغو کامل تحریم‌های بین‌المللی علیه این کشور بود. به موجب مفاد برنامه اقدام مشترک در ازای تعلیق برخی تحریم‌ها از جمله تحریم صادرات نفت خام و محصولات پتروشیمیایی، جهت کسب اعتماد بین‌المللی، ایران اجازه بازدید برخی تأسیسات هسته‌ای را به بازرسان اژانس داد و همچنین غنی‌سازی اورانیوم بالای ۵% را متوقف کرد.

توافق ژنو حاصل تغییر سیاست غرب در قبال ایران بود؛ کشورهای فرستنده تحریم دریافتند هرچقدر هم که فشار اقتصادی ناشی از تحریم شدید باشد، کشوری که این تحریم‌ها را غیرمشروع می‌داند در مقابل آنها ایستادگی خواهد کرد. پس آنچه کشوری چون ایران را به ادامه مذاکره دعوت می‌کند نه تهدید به تشدید تحریم‌ها بلکه آن چیزی است که رئیس‌جمهور ایران از آن به عنوان "تکریم ایران" سخن می‌گوید. بنابراین مذاکرات ژنو شعری دوباره جهت برقراری اعتماد متقابل میان ایران و غرب بود و سبب "ترک‌خوردن ساختمان تحریم" شد. هرچند طرف زمانی تمیزیابی به یک توافق نهایی در مورد برنامه هسته‌ای ایران و لغو تحریم‌ها (برنامه جامع اقدام مشترک) در ابتدا نوامبر ۲۰۱۴ تعیین شده بود، به علت پیچیدگی و حساسیت موضوعات مورد بحث و عدم امکان پیشبرد همزمان

مسائل سیاسی و جزئیات فنی و حقوقی، مذاکرات تا پایان ژوئن ۲۰۱۵(تیر) تمدید شد. این دور از مذاکرات که در وین برگزار می‌شد هرچند به نتیجه نرسید اما موجب شد طرفین منافع و موقعیت یکدیگر را به خوبی مورد ارزیابی قرار بدهند و موارد اختلاف به چند مورد محدود شد. این شناخت متقابل در آوریل ۲۰۱۵ در قالب یک بیانیه مشترک میان ایران ۵+۱ در مورد مولفه‌های مهم "برنامه جامع اقدام مشترک" به ثمر نشست. این بیانیه در واقع چارچوب سیاسی مورد توافق طرفین است که "مبنای متن نهایی برنامه جامه اقدام مشترک (برجام) را پایه‌ریزی می‌کند". طبق توافق نوامبر ۲۰۱۴، متن نهایی تا پایان ژوئن ۲۰۱۵ باید آماده شود که در حال حاضر این روند روزهای پایانی خود را طی می‌کند و ۹ تیرماه مهلت آماده‌شدن متن توافق نهایی است.

چشم انداز بیانیه مشترک ایران و ۵+۱

مبنای مورد توافق ایران و ۱+۵ عبارتند از:

■ "سطح و ظرفیت غنی‌سازی و میزان ذخایر ایران برای دوره‌های زمانی مشخص، محدود خواهد شد و نظنز تنها مرکز غنی‌سازی ایران باقی خواهد ماند. تحقیق و توسعه غنی‌سازی در ایران بر روی ماشین‌های سانتریفیوژ انجام خواهد گرفت که براساس یک جدول زمانی و سطح توافق شده است.

■ فوردو از یک سایت غنی‌سازی به یک مرکز هسته‌ای، فیزیک و فن‌آوری تبدیل خواهد گردید. در این مرکز همکاری بین‌المللی در حوزه‌های تحقیقاتی و توسعه توافق شده مورد تشویق قرار خواهد گرفت. مواد شکافت‌پذیر در فوردو نخواهد بود.

■ راکتور تحقیقاتی پیشرفته آب سنگین در اراک با همکاری مشترک بین‌المللی باطراحی و نوسازی خواهد شد به گونه‌ای که پلوتونیوم با قابلیت تسلیحاتی در آن تولید نگردد. بازفراوری صورت خواهد گرفت و سوخت مصرف شده صادر خواهد گردید.

■ مجموعه تدابیری برای نظارت بر اجرای مفاد برجام شامل کد صلاحی ۳،۱ و اجزای داوطلبانه پروتکل الحاقی مورد توافق واقع شده است. اژانس بین‌المللی انرژی اتمی از فن‌آوری‌های مدرن نظارتی استفاده خواهد کرد و از دسترسی‌های توافق شده بیشتری از جمله به منظور روشن‌شدن موضوعات گذشته و حال برخوردار خواهد شد.

■ ایران در همکاری‌های بین‌المللی در حوزه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز مشارکت خواهد نمود که می‌تواند شامل ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای و راکتورهای تحقیقاتی شود. یک حوزه مهم دیگر، همکاری در زمینه ایمنی و امنیت هسته‌ای می‌باشد. طی یک اقدام بی‌سابقه، کمیته امور خارجه مجلس سنای آمریکا اتحادیه اروپایی، اعمال تحریم‌های اقتصادی و مالی مرتبط با هسته‌ای خود را خاتمه خواهد داد و ایالات متحده نیز اجرای تحریم‌های مالی و اقتصادی ثانویه مرتبط با هسته‌ای را، همزمان با اجرای تعهدات عمده هسته‌ای ایران به نحوی که توسط اژانس بین‌المللی انرژی اتمی راستی آزمای شود، متوقف خواهد کرد. یک قطعنامه جدید شورای امنیت سازمان ملل متحد صادر خواهد شد که در آن برجام تأیید شده، کلیه قطعنامه‌های قبلی مرتبط با موضوع هسته‌ای لغو خواهد گردید و برخی تدابیر محدودیت‌ساز مشخص، را برای یک دوره زمانی مورد توافق، لحاظ خواهد کرد."

در تفسیر بند آخر ابهاماتی وجود دارد که در متن نهایی می‌بایستی به قطع یقین حل و فصل شوند. برخی از این موارد که مستقیماً با مسئله لغو تحریم‌های ایران مرتبط هستند در ادامه شرح داده می‌شوند.

۱. لغو تحریم‌ها یا تعلیق محدودیت‌ها با امکان بازگشت در صورت نقض تعهد از سوی ایران: اولین و مهم‌ترین مسئله‌ای که پس از اعلام رسمی بیانیه مشترک محل اختلاف نظر مقامات ایرانی و آمریکایی قرار گرفت، بحث لغو و یا تعلیق تحریم‌هاست. متن بیانیه صریحاً از خاتمه تحریم‌های اتحادیه اروپا و توقف اجرای تحریم‌های مالی و اقتصادی ثانویه آمریکا سخن می‌گوید. این در حالی است که اسناد آمریکایی که پس از اعلام بیانیه مشترک منتشر شدند اعلام می‌دارند که تحریم‌های هسته‌ای ایران تعلیق خواهند شد و قابلیت بازگشت دارند.

در بحث لغو و یا تعلیق تحریم‌ها می‌بایستی خاطرنشان ساخت تا زمانی که خطر تجدید تحریم‌ها وجود دارد سرمایه‌گذاران خارجی از ورود سرمایه‌هایشان به ایران خودداری خواهند کرد. این امر که آن را "سنדרم رعایت بیش از اندازه تحریم‌ها" می‌کنند در دوران تصویب برنامه اقدام مشترک به خوبی مشاهده شد. توضیح آنکه در نتیجه اعمال تحریم‌های مالی و اقتصادی ثانویه ایالات متحده مبنی بر بازداشتن کلیه مؤسسات و شرکت‌های خارجی از ورود به هر گونه معامله با ایران، حتی پس از تعلیق تحریم‌ها در دوران برنامه اقدام مشترک، این شرکت‌ها و مؤسسات علی‌رغم علاقمندی به همکاری با ایران در نتیجه هراس از حذف‌شدن از سیستم مالی آمریکا از انجام هرگونه تجارت با ایران خودداری می‌کردند.

بدیهی است درصورت لغو کلیه تحریم‌های هسته‌ای در قالب یک قطعنامه جدید شورای امنیت، وضع دوباره تحریم‌ها علیه ایران نیازمند طرح مجدد مسئله در صحن شورای امنیت و تصمیم‌گیری دوباره شورا در این خصوص خواهد بود.

۲. زمان‌بندی لغو تحریم‌ها: اسناد آمریکایی از تعلیق تحریم‌ها پس از راستی‌آزمایی اژانس بین‌المللی انرژی اتمی از اجرای تعهدات عمده هسته‌ای ایران سخن می‌گویند، در حالی که بیانیه مشترک صریحاً اعلام می‌کند که لغو تحریم‌ها هم‌زمان با راستی‌آزمایی اژانس خواهد بود. بدیهی است تا زمانی که پیش‌نویس برجام نگاشته نشده است، مسئله زمانبندی لغو تحریم‌ها مبهم خواهد ماند.

۳. توقف اجرای تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای آمریکا: بیانیه مشترک چنین اعلام می‌دارد که "ایالات متحده اجرای تحریم‌های مالی و اقتصادی ثانویه مرتبط با هسته‌ای را … متوقف خواهد کرد". اما نکته اینجاست که در نظام وسیع تحریم‌های آمریکا علیه ایران هیچ تمایزی میان تحریم‌های هسته‌ای و سایر تحریم‌ها وجود ندارد. هرچند طبق مفاد بیانیه مشترک صرفاً اجرای تحریم‌های ثانویه – نظام تحریم علیه شرکت‌ها و مؤسسات خارجی– متوقف خواهد شد. تحریم‌های ثانویه فقط مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران نیستند. از جمله مواردی که می‌توان به آن یقین داشت این است که ممنوعیت آمریکا علیه افراد و شرکت‌های آمریکایی در برقراری هرگونه رابطه تجاری و سرمایه‌گذاری با ایران به قوت خود باقی خواهد ماند و تحریم‌های ثانویه آمریکا در موارد زیر ممکن است متوقف شوند:

■ خرید نفت، محصولات نفتی و پتروشیمیایی از ایران
■ عرضه کالا و خدمات به صنایع انرژی، کشتی‌سازی، و خودروسازی ایران
■ صادرات فلزات گرانبها و سایر فلزات مثل آلومینیوم و فولاد به ایران
■ ارائه خدمات بیمه و ضمانت‌نامه برای فعالیت‌های مرتبط با ایران

قانون تجدیدنظر توافق هسته‌ای ایران

بر اساس تفسیری موسع از اصل دوم قانون اساسی فدرال ایالات متحده، رئیس‌جمهور رسماً می‌تواند موافقت‌نامه‌های منعقده میان این کشور با سایر دولت‌ها را تصویب نماید. علیرغم این رویه که مورد تأیید دیوان عالی فدرال آمریکا نیز بوده است، طی یک اقدام بی‌سابقه، کمیته امور خارجه مجلس سنای آمریکا به ریاست باب کورکر (Bob Corker) – سناتور جمهوری‌خواه ایالت تسیسی– پیش‌نویس قانونی را اجماعاً تصویب کرد که پس از تصویب نهایی در کنگره (مجلس سنا و مجلس نمایندگان) در تاریخ ۲۲ می ۲۰۱۵ با امضای باراک اوباما به یک قانون لازم‌الاجرا تبدیل شد. به موجب این قانون رئیس‌جمهور آمریکا باید ظرف ۵ روز متن توافق نهایی هسته‌ای با ایران را جهت بررسی در اختیار کنگره قرار دهد که طی ۳۰ الی ۶۰ روز کنگره مهلت بررسی‌ساز مشخص، را برای یک دوره زمانی مورد توافق، لغو و یا هرگونه ایجاد محدودیت در اجرای تحریم‌های کنگره علیه ایران را نخواهد داشت. چنانچه در طول دوره بررسی، کنگره توافق را تأیید کند و یا اینکه از اظهار نظر خودداری کند، از محدودیت‌های رئیس‌جمهور در خصوص لغو و یا کاهش تحریم‌ها رفع اثر خواهد شد.

در صورت تأیید و اجرای توافق هسته‌ای ایران، هر ۹۰ روز یک بار رئیس‌جمهور باید کنگره را از رعایت مفاد توافق نهایی توسط ایران مطمئن سازد. اگر رئیس‌جمهور از ارائه گواهی انطباق فعالیت‌های ایران با متن توافق خودداری کند و یا وی تشخیص دهد که ایران مرتکب نقضی فاحش در ایفای تعهدات خود شده است، کنگره می‌تواند قانونی وضع کند که تمامی تحریم‌های ایران که به موجب توافق هسته‌ای معلق، کاهش و یا حذف شده بودند مجدداً اعمال شوند.این اقدام اخیر کنگره موجب نگرانی جامعه جهانی از اثر مخرب وضع چنین قانونی بر انعقاد و اجرای توافق نهایی ایران و گروه ۵+۱ شده است. اما واقعیت این است که توافق احتمالی ایران با ۱+۵ یک معاهده سیاسی بین‌المللی است که در حقوق بین‌الملل عمومی از آن به عنوان یک موافقت‌نامه اجرایی یاد می‌کنند. موافقت‌نامه‌های اجرایی می‌تسازد از تصویب مقامات صلاحیت‌دار داخلی بوده و با امضای مقامات اجرایی کشورها رسمیت و بلافاصله قابلیت اجرایی می‌یابند. همچنانکه وزیر امور خارجه ایران پیش‌تر اعلام کرده بود: "در حقوق بین‌الملل، دولت‌ها نماینده کل حکامیت و مسئول روابط خارجی کشور خود و ملزم به اجرای تعهداتی هستند که در روابط با دیگر دولت‌ها می‌پذیرند و نمی‌توانند به بهانه مقررات داخلی از اجرای تعهدات بین‌المللی خود سرباز زنند." ■

نکاتی در مورد پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و پروتکل الحاقی

معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای یا

NPT در سال ۱۹۶۸ برای امضا آماده شد و در سال ۱۹۷۰ به مرحله اجرا درآمد.

به موجب این معاهده کشورها به دو دسته اتمی یا **NUCLEAR WEAPON STATE** و غیراتمى یا **NON-NUCLEAR WEAPON STATE** تفکیک می‌شوند. کشورهای ایالات‌متحده، انگلستان و شوروی سابق در سال ۱۹۶۸ این پیمان را امضا کرده و به تصویب مجالس خود رساندند. فرانسه و چین در سال ۱۹۹۲ معاهده را امضا نموده ولی تاکنون مورد تصویب مجالس این دو کشور واقع نشده است. این ۵ کشور، بر اساس این معاهده کشورهای اتمی محسوب می‌شوند. هند، پاکستان و رژیم صهیونیستی که بعدها به سلاح هسته‌ای دست‌یافته‌اند این معاهده را امضا نکرده‌اند. بر اساس ماده ۱۸ کنوانسیون (عهدنامه) ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات،کشوری که یک معاهده بین‌المللی را امضا می‌کند تا زمانی که صریحاً قصدش را از عدم الحاق به معاهده اعلام می‌نماید، باید از هر اقدامی که موضوع و هدف معاهده را زایل می‌کند خودداری نماید.

۱۹۱ کشور تا کنون این معاهده را امضا کرده‌اند. کرده‌شمالی در سال ۱۹۸۵این پیمان را امضا کرد ولی در سال ۲۰۰۳ از آن خارج شد.

ایران در سال ۱۹۷۰این پیمان را امضا کرده و پس از تصویب مجلسین در سال ۱۹۷۴ رسماً به این معاهده ملحق شد.

شورای حکام اژانس بین‌المللی انرژی اتمی نمونه پروتکل الحاقی را در سال ۱۹۹۷ تصویب کردند. پروتکل الحاقی یک سند قانونی است که موافقتنامه پادمان کشور مربوطه با اژانس را اصلاح نموده و براساس آن بازرسی‌های گسترده‌ای از کشورهایایی که پروتکل را امضا کرده‌اند صورت می‌گیرد. (پذیرش این پروتکل داوطلبانه است در متن پروتکل آمده است: بازرسان اژانس از دسترسی‌های پیش‌تتری برخوردار می‌شوند. این دسترسی‌ها می‌تواند به هر مکان مشکوک و حتی بدون اطلاع قبلی باشد. اژانس می‌تواند نمونه‌برداری محیطی کرده و از تمامی امکانات دسترسی از راه‌دور برای رصد هرگونه اقدام خلاف برخوردار شود.

البته دسترسی به مکان‌هایی که اصلاً مرتبط با برنامه هسته‌ای نیست باید براساس کسب مجوز از کشور مورد نظر باشد که همان دسترسی‌های مدیریت شده است.

کشور ما در دسامبر ۲۰۰۳ این پروتکل را امضا کرده و برای مدتی تا فوریه ۲۰۰۶ آن را به صورت داوطلبانه اجرا نمود. از فوریه ۲۰۰۶ که ایران طی نامه‌ای عدم ادامه اجرای داوطلبانه را به اژانس اعلام کرده، سرنوشت پروتکل الحاقی و اجرای آن منوط به توافق نهایی ایران و گروه ۵+۱ و نهایتاً تصویب در مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان است.

Bibliography
Alexander K. Economic sanctions: law and public policy, (Palgrave 2009 ,Macmillan
Dupont P."Countermeasures and Collective Security:The Case of the "EU Sanctions Against Iran
Journal of Conflict & Security Law (2012)
Dupont P "Iran's (Non-) Compliance with its Non- Proliferation (2013)."Obligations Revisited
European Journal of International Law Blog
2 Goldstein C [et al.] "Prospects for Iran Sanctions under the April National Law Review (2015)."Nuclear Framework
3rd edition.) Hufbauer G … [et al.] Economic sanctions reconsidered (2007). Peterson Institute for International Economics
Congressional Research Service (20۱1)."Katzman K."Iran Sanctions Yzadani S. "Re-examination the Balance between Effectiveness of International Economic Sanctions and their Adverse Impact: Case Master's Dissertation, Department of Law (2013). "Study of Iran London School of Economics

بانکداری به کدام سو می رود؟



RECOURCES
 Brett King, Bank 3.0
www.businessinsider.com
www.bankinnovation.net
www.ncua.gov
www.banktech.com
www.intelligenthq.com

برگردان: هومن جهانگرد

در انگلستان روزانه دو شعبه بانک تعطیل می شوند و برنامه ریزی ها به گونه ای است که تا پنج سال آینده ۲۵ تا ۵۰ درصد شعب بانک ها بسته شوند.

در آمریکا میانگین تراکنش های هر شعبه در ماه ۲۶۰۰ تراکنش است که نسبت به پنج سال گذشته با کاهش ۲۵ درصدی همراه بوده است.



محمدرضا طیب‌زاده نوری

محمدرضا طیب‌زاده نوری متولد سال ۱۳۲۵ تهران است. او دارای دانشنامه کارشناسی ارشد راه و ساختمان از دانشکده فنی دانشگاه تهران است. از سال ۱۳۴۸ در بخش‌های مشاوره‌ای، کارفرمایی و پیمانکاری مشغول فعالیت بوده و از سال ۱۳۵۵ همکاری خود را با سازمان برنامه و بودجه شروع کرده و تاکنون در تهیه و تدوین مشخصات فنی عمومی و هم‌چنین فهرسِ بهای پایه پروژه‌های عمرانی به عنوان مسئول و هماهنگ‌کننده کارشناسان با سازمان برنامه و بودجه همکاری داشته است.

از دیگر سمت‌های وی می‌توان به کارشناسی ارشد شورای عالی/ فنی، بررسی و ساماندهی اسناد و مدارک مناقصات پروژه‌های سدسازی، شبکه‌های آبیاری و زهکشی و پروژه‌های خطوط انتقال آب، مسوول و سرپرست کمیته تعدیل وزارت نیرو و پیمانکاری در صنعت آب و فاضلاب، آبیاری و زهکشی و همچنین صنعت نفت، گاز و پتروشیمی اشاره کرد. او در حال حاضر رییس هیات مدیره شرکت آرش سازه و عضو انجمن APEC است.

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی

نگاه‌های کلان با محوریت‌های ذیل برای جامعه ایرانی در افق این چشم انداز تا سال ۱۴۰۴ با این ویژگی‌ها مورد تاکید قرار گرفته است:

- توسعه‌یافتگی متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی
- برخوردری از دانش پیشرفته توانا در تولید علم و فناوری
- برخوردری از سلامت، رفاه، امنیت قضائی و تامین اجتماعی با فرصت‌های برابر توزیع متناسب برابر نهاد مستحکم خانواده و به دور از فقر
- نیروی کار فعال، مسوولیت پذیر، مومن، ایثار گر، رضایمند و برخوردار از وجدان کاری
- دست‌یافتن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه
- پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی، سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل
- الهام بخش، فعال و موثر در جهان اسلام با الگوی مردم سالاری
- تعامل سازنده و موثر با جهان براساس اصول حکمت، عزت و مصلحت

گرچه در سند چشم‌انداز به طور مشخص به حوزه اثر بانک‌ها و موسسات مالی اشاره مستقیم نشده ولی در بخش‌های مختلف این سند در محور امور اقتصادی اشاراتی گردیده است که نشان و اثر مستقیم یا غیر مستقیم به حوزه بانکی و سیستم‌های مالی در آن مشهود است.

- توسعه قانون‌گرایی، تقویت انضباط اجتماعی و وجدان کاری
- تحقق رشد اقتصادی، پیوسته و باثبات
- تحقق رقابت‌پذیری اقتصاد کشور در سطح بازارهای داخلی و خارجی
- پشتیبانی از کارآفرینی، فعالیت‌های نوآورانه و ظرفیت‌های فنی و پژوهشگری
- ایجاد ساز و کار انگیزشی برای توسعه صادرات نفتی و رفع موانع تولید قابل رقابت در عرصه بازارهای جهانی
- ایجاد فضای مناسب، امن و اطمینان بخش برای فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی با تکیه بر احترام به حقوق مالکیت دارایی‌های مادی و غیرمادی
- توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی به عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی
- توسعه حضور بخش‌های تعاونی و خصوصی در همه بخش‌های اقتصادی و محدودکردن تصدی دولت در فعالیت‌های اقتصادی در سبقت عناوین تصریح شده در اصل ۴۴ قانون اساسی و حداکثر حضور کارآمد در قلمرو امور حاکمیتی

جایگاه و نقش بانک‌ها در صنعت احداث کشور

قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴

قانون اساسی

در فصل دوم این قانون با عنوان قلمرو فعالیت‌های هر یک از بخش‌های تعاونی، دولتی و خصوصی به حوزه بانکی کشور اشاره شده است، ذیل ماده ۲، گروه ۳، فعالیت‌های کاری توصیه و تاکید شده است.

فعالیت‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک ملی ایران، بانک سپه، بانک صنعت و معدن، بانک توسعه صادرات، بانک کشاورزی، بانک مسکن و بانک توسعه تعاون ذیل بند ۶ و بیمه مرکزی و شرکت‌های بیمه‌ای ایران (گروه ۲)

بخشی از قوانین حوزه مالی

۳-۱- بند الف ماده ۲۱۴ "قانون پنجم برنامه پنج‌ساله جمهوری اسلامی" در مورد ورود پیمانکاران برای انجام پروژه‌های عمرانی و غیر عمرانی با محوریت تامین منابع مالی اشاره دارد. در این ماده روش‌های EPCF، BOO، BOT، Buy Back و PPP مورد اشاره می‌باشد.

۳-۲- براساس قوانین مالی سالانه دولت در سال‌های ۹۱ و ۹۲ (مصاد ۹۰ و ۱۰۲)، تامین منابع مالی به عهده و تعهد پیمانکاران ذکر شده بود. در این چهارچوب پیمانکاران موظف گردیده بودند که با تشکیل "شرکت – پروژه" و با ترتیبات نوشته شده در قانون و با بکارگیری امکانات صندوق ذخایر ارزی نسبت به تامین منابع مالی برای اجرای پروژه‌ها اقدام نمایند.

روش‌های اشاره شده در قوانین سال‌های فوق‌الذکر برای دادن مسوولیت، به روش پیمانکاران برای تامین



منابع مالی به درستی احصاء نگردیده بود و به دلایل عدیده‌ای – خارج از بحث این نوشتار – امکان به‌کارگیری روش‌های فوق‌الذکر برای همه پروژه‌های عمرانی در کشور در همه سطح و حجم‌های مختلف امکان‌پذیر نبوده است که این امر موجب حذف این دیدگاه از قانون سال ۹۳ گردید و طبق اطلاع قرار است قانون جامع و کاملی در این حوزه توسط دولت تهیه و جهت تأیید به قوه مقننه ارایه شود.

"در بند ق قانون بودجه سال ۹۳" با تخصیص ۱۰۰ میلیارد دلار از منابع مالی کشور و کسب اعتبار قرار دادن آن به وزارت نفت مقرر گردیده است که حسب رعایت قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و همچنین اشاره به بند ب ماده ۲۱۴ قانون برنامه پنج ساله اقدام به سرمایه‌گذاری به روش‌های مندرج در آن ماده قانونی با تضمین خرید محصول و همچنین سایر مصراحت مندرج در قانون به عمل آید. گرچه اختیارات "بند ق" به طور مسقیم به وزارت نفت احاله شده ولی وزارتخانه‌های دیگری نیز به نحوی در این قانون ذی‌مدخل‌اند. روح "بند ق" این ماده با ترتیبات نوشته شده در قانون به منظور کسب درآمد



برای صنعت و برای اجرای طرح‌های بهینه‌سازی، کاهش گازهای گلخانه‌ای و کاهش مصرف انرژی می‌باشد.

نگاهی به نقش بانک‌ها در حوزه صنعت‌احداث

متأسفانه بایستی اذعان نمود که با توجه به فضای اجرای پروژه‌ها در نظام‌های مختلف سه عاملی و دو عاملی EPC، بانک‌ها به درستی در کنار پیمانکاران حضور ندارند و شرایط و دیدگاه‌های ذیل برای حوزه بانکی و مالی کشور در این محور قابل بحث می‌باشد.

۳-۲- تاکنون بانک‌ها اعتقاد بر این داشتند که حوزه وظایف آنها تنها در دادن چهار ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه، ضمانت‌نامه تضمین انجام تعهدات، ضمانت‌نامه پیش پرداخت و ضمانت‌نامه مربوط به حسن انجام کار در برابر پروژه‌های عمرانی خلاصه می‌شود.

پیمانکاران با ورود به حوزه بانکی و بسته به اعتبار و سابقه خود با بانک‌های مربوطه نسبت به تامین اعتبار برای اجرای پروژه‌ها – Self Financing – عمل می‌نمایند. شرایط هزینه‌های بانکی –کارمزدها و یا میزان وثائق برای دریافت ضمانت‌نامه‌ها- با نظام‌های بین‌المللی انطباق ندارد و به علت بالا بودن این هزینه‌ها با توجه به نرم‌های بین‌المللی این هزینه‌ها بایستی بالاچار در بالاسری و Over Head پیمانکاران منظور شود که بار مالی مضاعفی به پروژه وارد می‌نماید.

در شرایط کنونی که حوزه اثر پیمانکاران با ورود به پروژه‌های EPC و EPCF بسیار وسیع‌تر از پروژه‌های سه عاملی C می‌باشد مشکلات مالی برای دریافت ضمانت‌نامه‌ها و تامین منابع مالی پیمانکار – Self Financing – بسیار وسیع‌تر و گسترده‌تر است.

لازم به یادآوری است که به طور معمول در پروژه‌های بزرگ صنعتی خصوصا در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی بخش اجرای پروژه – Construction – بین ۲۰ تا ۳۰٪ جمع کل پروژه در نوسان است و لذا تعهدات پیمانکار برای دریافت‌ها و قبول هزینه‌ها با بانک‌ها در این محدوه است. در صورتی که در پروژه‌های EPC یا EPCF این بار پیمانکار با صد در صد مبلغ پروژه یا بسیار فراتر از آن با بانک‌ها وراد مذاکره می‌شود.

آیا بانک‌های کشور خصوصا بانک‌های خصوصی قبول و تمایل دارند که به عنوان یک بازوی تامین‌کننده مالی در پروژه‌ها و در قالب عضوی از گروه همکاری با پیمانکاران به صورت مستقیم در مقابل پروژه و یا تامین‌کننده منابع مالی در پروژه در کنار کارفرمایان قرار گیرند؟ کدام یک از این دو روش موردنظر و قبول بانک‌ها می‌باشد؟ با توجه به حجم و سطح پروژه‌های بزرگ کشور فی‌المثل در پروژه‌های صنعت نفت،گاز و پتروشیمی و محدود بودن حجم امکانات بانک‌ها نیاز فعالیت سندیکایی بانک‌ها – Syndicate نمودن بانک‌ها – تا چه میزان از نظر قوانین داخلی بانکی در کشور قابل عمل می‌باشد؟ و آیا بانک‌های داخلی ما در این مورد تجربه عملی و ملموسی برای ورود به پروژه‌های کلان داشته‌اند؟



آیا ادغام تعهد تامین منابع مالی توسط دولت به پیمانکاران و رو در رو قرارگرفتن پیمانکاران با بانک‌ها صحیح و منطقی است؟ یا این که بهتر است پیمانکاران به وظایف مشخص خود درحوزه صنعت احداث را به اجرای پروژه‌ها ورود نموده و توان خود را در این محور صرف نمایند و تامین منابع مالی پروژه‌ها به روش‌های مختلف بین بانک‌ها و دولت محول شود؟

این اعتقاد تا چه میزان صحیح و عملی است که به پیمانکاران یس‌آوری می‌گردد که از این فضا یعنی تامین منابع مالی توسط پیمانکاران حداکثر استفاده را به عمل آورید و وابستگی خودرا از سیستم پرداخت‌های دولتی قطع و ارتباط مالی خود را با دولت حذف نمایند و با بانک‌ها طرف باشند.

در نرم‌های بین‌المللی و استانداردهای جهانی شرکت‌های پیمانکاری برای دریافت پشتیبانی از بانک‌ها پس از ورود به مناقصات و برنده شدن در آن و عقد قرارداد با کارفرمایان با آوردن "قرارداد امضاء و تایید شده کارفرما" بسر روی میز بانک‌ها به راحتی اقدام به دریافت منابع و پشتیبانی مالی به منظور ورود به اجرای پروژه‌ها می‌نمایند و به عبارت دیگر اگر یک قرارداد قابل ارایه به بانک – Bankable – در دست داشته باشند به راحتی قادرند از پشتیبانی و توانمندی‌های منابع بانکی کشور خود استفاده کامل نمایند. در کشور ما چه عوامل بازدارنده در این حوزه وجود دارد؟ چرا این رویه بسیار پسنده و بین المللی در ایران قابل پیاده شدن نیست؟ آیا قوانین بالادستی حاکم بر فضای قراردادهای پیمانکاری با دولت مانع این امر می‌باشد یا قوانین بالادستی بانکی مانع از ارایه چنین امکاناتی به بخش خصوصی است؟

همان‌طوری که اشاره شد بحث تامین منابع مالی در پروژه‌ها از مشکلات و معضلات اصلی است و علاوه بر آن باز به علت عدم تخصیص منابع مالی به پروژه‌ها صورت کارکردهای ماهانه پیمانکاران و به طور کلی مطالبات مالی آنها در مقابل قرارداد و کارفرمایان همواره با تاخیر مواجه است. این امر در واقعیت امر موجب برهم خوردن Turnover پروژه‌ها، مشکل در Cash Flow پیمانکاران و نهایتا تاخیر در اجرای پروژه‌ها و در غایت امر ایجاد مشکلات عدیده بین طرفین قرارداد می‌گردد. با کدام منبع موضوع افتتاح اعتبار ریالی – LCریالی – علیرغم تأکیدات روشن در قوانین بالادستی از سال‌های قبل و خصوصا در قانون پنجم پنج ساله کشور تاکنون عملی نگردیده است؟ چه مشکلی بین کارفرمایان و مجریان و بانک‌ها در این مورد وجود دارد که این مساله بسیار مهم عملی نمی‌گردد کدام یک از طرفین به واقع مانع از انجام این مورد مهم می‌گردند؟

آیا نحوه دادن تضامین توسط بخش دولتی به بانک‌های خصوصی –برای بازپرداخت منابع مالی بانک‌ها در تامین منابع مالی پروژه‌ها مورد قبول و پذیرش بانک‌ها می‌باشد و در این ارتباط دولت می‌تواند تضامین کافی به بانک‌ها برای بازپرداخت دیون خود را ارایه نماید؟

آیا نرخ سود بانکی برای دریافت پشتیبانی‌های مالی برای پیمانکاران با نرم‌های بین‌المللی مطابقت دارد؟ در نرم‌های بین‌المللی این منابع بانکی است که در خدمت کارآفرینی و ساخت و ساز قرار می‌گیرد؟ چه موانعی در ایران برای ورود منابع مالی کشور برای بسط و توسعه صنعت احداث وجود دارد؟



در خاتمه کلام نگارنده علاقمند است که اصول و دیدگاه‌های ذیل را با سیستم بانکی کشور و خصوصا حوزه وظایف بانک‌های خصوصی در میان بگذارد.

■ به شرح توضیحات ارایه شده بالا حداقل در قوانین بالادستی کشور قرار است که تا اقی سال ۱۴۰۴ کلیه امور نظام در فضای بخش خصوصی تعریف و بکار گرفته شود. این باور برای مسوولان محترم بلندپایه نظام قطعی شده که عبور از شرایط نه چندان مطلوب حاضر در کشور در حوزه مسایل اقتصادی تنها با نگاه مثبت به جایگاه بخش خصوصی و تقویت آن است. بانک‌ها و سیستم مالی کشور در اجرا و تحقق چنین نگاهی چه برنامه عملی می‌توانند ارایه دهند؟

■ قطعا بانک‌های عامل حاضر در فضای اقتصاد کشور خصوصا بانک‌های بخش خصوصی بایستی با تجمع و ایجاد سندیکای بانکی در کنار پروژه‌های عمرانی قرار گیرند. همان‌طوری که اشاره شد روش‌های حضور آنها بایستی با توجه به حوزه قوانین و اثربخشی آنها تعریف و به کار گرفته شود.

■ قطعا جمع‌آوری نقدینگی سرگردان در جامعه می‌تواند توسط بانک‌ها به مسیرهای صحیح یعنی ساخت و ساز و کارآفرینی سوق داده شود. این امر قطعا با همت دولت، تشویق مردم برای حضور و هدایت پول‌های سرگردان به حوزه بانکی کشور و با علاقه و پشتیبانی بانک‌ها میسر است. نگارنده اعتقاد دارد شرایط خاص مالی مملکت با توجه به اقتصاد کاملا دولتی در سطح کشور نبایستی عامل این نگاه باشد که پیمانکاران به سمت تامین منابع مالی و قبول تعهدات در این مورد سوق داده شوند و بایستی روش‌های تامین منابع مالی توسط بانک‌ها به صورت مجزا دیده شود و موانع موجود توسط بانک‌ها رفع شود. آیا منطقی است که تامین منابع مالی از حوزه تعهدات پیمانکاران حذف و این مسوولیت مهم در قالب وظایف بانک‌ها و موسسات مالی قرار گرفته و بانک‌ها و موسسات مالی در قالب حقوقی/ مالی در کنار کنسرسيوم همکاری پیمانکاران EPC قرار گیرند.

نگارنده معتقد است هم‌اکنون روش‌های انجام پروژه‌ها با حضور منابع مالی توسط پیمانکاران اشاره شده در قانون با توجه به ریسک‌های سرمایه‌گذار در این طریق بانک‌های داخلی و نه از طریق بانک‌های خارجی در شرایط حال امکان‌پذیر نیست لذا ورود پیمانکاران به انجام پروژه‌ها به روش BOT و نظایر آن بایستی قانونمند شود و در این مورد نیاز به بازنگری در چهارچوب و ساختار نظام بانکی کشور دیده می‌شود.

انجمن‌های صنفی مختلف پیمانکاری می‌توانند با ایجاد صندوق‌های مالی برای پشتیبانی اعضای خود - Equity Found – در خدمت کسب و کار و توسعه صنعت قرار گیرند که نیازمند تدوین قانون برای تعریف روابط بین بخش خصوصی و بانک‌های دولتی و خصوصی است. بانک‌های کشور می‌توانند در این مورد پیش‌قدم شده و بخش خصوصی را راهنمایی نمایند. ■

سامانه مدیریت نقدینگی ابزاری برای امروز

می‌گویند هدف را همان اول به خواننده بگویید. حرف مهمی را که دارید، در همان جملات ابتدایی به خواننده اعلام کنید تا او بداند در مورد چه صحبت می‌کنید؛

هدف این نوشته آشنایی و آگاهی خوانندگان و معرفی وسیع‌تر سامانه مدیریت نقدینگی بانک خاورمیانه است.

فرآیند نوین مدیریت نقدینگی

در راستای تکمیل فرآیند سنتی مدیریت نقدینگی که در آن شرکت‌ها به دنبال برنامه‌ریزی برای پرداخت‌های تجاری بر اساس وجوه در دسترس شرکت و به اصطلاح راه‌اندازی یک فرآیند متمرکز پرداخت در داخل سازمان(Payment Factory) هستند، شرکت‌های بسیاری به دنبال متمرکز ساختن مدیریت حساب‌های دریافتنی خود نیز می‌باشند. این کار کمک موثری به‌خصوص به شرکت‌هایی است که حجم بالایی از حساب‌های دریافتنی دارند. ترکیب هم‌زمان مدیریت متمرکز حساب‌های دریافتنی و پرداختنسی باعث ایجاد هم‌افزایی و صحت بیشتر اندازه‌گیری نقدینگی جاری شرکت و پیش‌بینی میزان نقدینگی برای آینده خواهد بود.

مدیریت نقدینگی

در حوزه بانکداری، مدیریت نقدینگی، به مجموعه خدمات خاصی اطلاق می‌شود که در جهت کمک به مدیریت جریان وجوه نقد مشتریان بالاخص شرکت‌های بزرگ با حجم بالای تراکنش‌های بانکی ارایه می‌شود. این مجموعه خدمات شامل تجمیع اطلاعات تمام حساب‌های بانکی، متمرکز نمودن پرداخت‌ها، مدیریت اسناد دریافتنی و … می‌باشد. سامانه مدیریت نقدینگی ابزاری است در حوزه فن‌آوری اطلاعات که به شکلی ساختار یافته خدمات فوق را به طور یکجا به مشتریان شرکتي بانک ارایه می‌کند.

اهمیت موضوع

نیاز روزافزون شرکت‌ها به نقدینگی و شرایط سخت استفاده از اعتبارات سیستم بانکی(بالا بودن نرخ‌های بازپرداخت و کوتاه بودن دوره استفاده از منابع بانکی) باعث شده شرکت‌ها تلاش خود را برای بهینه‌سازی مدیریت گردش وجوه نقد خود تشدید نمایند. با توجه به پیشرفت‌های حوزه فن‌آوری و تکنیک‌های پیش‌بینی، شرکت‌ها بویژه شرکت‌های بزرگ اقدام به جایگزینی سیستم‌های اطلاعاتی خزانه‌داری حرفه‌ای و جایگزینی آنها با حجم انبوه صفحات گسترده و جداولی می‌نمایند که اطلاعات آن توسط کارشناسان مالی و حسابداری شرکت جمع‌آوری می‌شود.

سیستم‌های اطلاعاتی خزانه‌داری(Treasury Information Systems) و راهکارهای حوزه فن‌آوری به شرکت‌ها کمک می‌کنند تا با ثبت و نگهداری اطلاعات کنترلی مالی و گزارش پیش‌بینی دریافت‌ها و پرداخت‌ها، وضعیت مالی شرکت‌ها را به نحو مطلوبی منعکس سازند. گزارش‌های سیستم‌های اطلاعاتی خزانه‌داری مبنای اتخاذ تصمیمات مدیریت وجوه نقد و تامین مالی شرکت‌ها می‌باشند.

شرکت‌ها با استفاده از سامانه مدیریت نقدینگی نه‌تنها در مدیریت بهینه گردش

نقدینگی‌شان از پیش‌بینی وقایع توسط سیستم‌های اطلاعاتی خود بهره می‌برند بلکه از

اطلاعات دریافتی از جانب پرداخت‌کنندگان وجوه و انتقال این اطلاعات به دریافت‌کنندگان

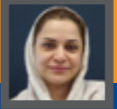
وجوه نیز مطلع می‌شوند.

سامانه مدیریت نقدینگی بانک خاورمیانه به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد که براساس اطلاعات واقعی ثبت شده توسط پرداخت‌کنندگان وجوه نسبت به مدیریت هم‌زمان منابع و مصارف‌شان اقدام نمایند.

به دلیل استفاده توامان شرکت‌ها، ذینفعان و نیز بدهکاران از سامانه مذکور، روابط بانکی حرفه‌ای بین بانک و مشتریان برقرار شده و روند حرکت هم‌زمان گروه‌های فوق‌الذکر منجر به ارزیابی دقیق‌تر و صحیح‌تر از ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری مشتری خواهد شد. این ارزیابی‌ها در تعیین شرایط هر شرکت در بهر‌مندی از تسهیلات بانکی کمک بسزایی خواهد نمود چراکه نه تنها عملکرد خود شرکت را مدنظر قرار می‌دهد بلکه عملکرد شرکا و طرف‌های تجاری را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. در نتیجه یک فرآیند جامع مدیریت نقدینگی در جهت ساده‌شدن فرآیندهای مربوط به نقل و انتقال وجوه و بهبود و تسهیل روابط با بانک شکل می‌گیرد.

دسترسی به سامانه

دسترسی به سامانه مدیریت نقدینگی بانک خاورمیانه از طریق وب‌سایت بانک خاورمیانه امکان‌پذیر می‌باشد. middleeastbank.ir
کاربران این سامانه کارشناسان، مدیران مالی و خزانه‌داری شرکت‌ها (در نقش ثبت کننده اطلاعات) و امضاداران شرکت‌ها در نقش تاییدکنندگان تراکنش‌های پرداخت می‌باشند. گزارش‌گیری از این سامانه نیز برای کلیه مدیران شرکت با تعیین حدود کاربری امکان‌پذیر می‌باشد.



سیونه گریگوریان

کارشناس ارشد حوزه مدیریت عامل بانک خاورمیانه

ویژگی‌های کلیدی

- ثبت وقایع مالی آینده شامل دستورات پرداخت و چک‌های صادره با امکان اصلاح شرایط پرداخت تا پیش از تایید توسط اولین شخص امضادار
- نمایش وجوه دریافتی بر اساس اطلاعات پرداخت‌کننده(مشروط بر استفاده هم‌زمان پرداخت‌کننده از سامانه)
- نمایش لیست چک‌های وصولی شرکت
- ثبت اطلاعات چک‌های صادره
- گزارش گردش نقدینگی برای دوره‌های زمانی روزانه، هفتگی و ماهانه
- نمایش گردش نقدینگی در قالب تقویم کاری

مزایای استفاده از سامانه

- جایگزینی دستور پرداخت الکترونیکی به جای چک کاغذی و رفع مشکل چک برگشتی
- عدم نیاز به ثبت چک مدت‌دار
- عدم نیاز به حضور امضادار در محل شرکت
- رفع نگرانی امضادار از امضای چک سفید
- حذف تماس تلفنی برای تحویل چک، همچنین پی‌گیری تلفنی برای وجوه دریافتی
- کاهش نیاز به تسهیلات بانکی با امکان مدیریت تاریخ پرداخت بر اساس گزارش وجوه دریافتی
- برنامه‌ریزی برای پرداخت بر اساس پیش‌بینی جریان‌های نقدی ورودی
- اخذ رتبه اعتباری بالاتر در صورت داشتن سهم بالای پرداخت‌های انجام شده در

سرسید به عنوان یک شاخص ارزیابی ریسک نقدینگی

سامانه مدیریت نقدینگی بانک خاورمیانه و زنجیره‌های تامین کالاها و خدمات

سیستم‌های مدیریت نقدینگی یکی از ابزارهای اصلی مدیریت روابط مالی بین شرکت‌های مختلف عضو زنجیره‌های تامین کالاها و خدمات(Supply Chain Finance) هستند. استفاده از این سامانه توسط شرکت‌های عضو به شفافیت و نیز کارآمدی اطلاعاتی بین کل زنجیره تامین منجر می‌شود. همچنین صحت پیش‌بینی‌ها با توجه به انعکاس رفتارهای هر شرکت در گزارش‌های سایر شرکت‌های ذینفع افزایش می‌یابد.

مدیریت بهینه کسری نقدینگی با توجه به بروز و کامل بودن اطلاعات در داخل زنجیره و با به حداقل رساندن سطح هزینه‌های تامین مالی انجام می‌گردد. این کار به کمک تغییر شرایط پرداخت (بالاخص جایجایی تاریخ‌های پرداخت) در داخل زنجیره انجام خواهد شد. فعالیت‌های مدیریت نقدینگی بخش مهمی از زنجیره تامین مالی و اهرمی برای توسعه توانمندی مالی اعضای زنجیره می‌باشد.

مزایای استفاده از سامانه برای زنجیره تامین کالا و خدمات

- آزاد شدن جریان نقدینگی در داخل زنجیره تامین از طریق بررسی گزارش‌های سامانه و مدیریت زمان نقل و انتقال وجوه بین شرکت‌های عضو زنجیره تامین
- گزارش لحظه‌ای فعالیت بانکی اعضای زنجیره
- شناسایی نقاط بحرانی در فعالیت‌های هر زنجیره تامین شامل خروج منابع مالی از چرخه فعالیت‌های اصلی زنجیره، عدم برنامه‌ریزی درست از نظر دوره‌های زمانی انتقال منابع بین شرکت‌های عضو زنجیره، شرکت‌های با سهم سودآوری پایین در زنجیره تامین و …
- امکان استفاده از انواع تسهیلات بانکی برای اعضای زنجیره‌های تامین مانند تامین مالی فروش(اعطای تسهیلات تامین سرمایه در گردش براساس اطلاعات مربوط به اسناد دریافتنی از خریداران) و تامین مالی فروشنده(براساس پرداخت زودتر از موعد اسناد دریافتنی فروشنده)

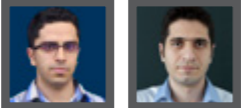
برنامه‌های آتی

- ثبت درخواست استفاده از مانده تسهیلات مصوب با تعیین تاریخ
- ثبت عملیات ارزی درخواستی شرکت با امکان ثبت اطلاعات تسویه
- تبادل داده بین سیستم حسابداری شرکت‌ها و سامانه مدیریت نقدینگی

مشتریان هدف

- شرکت‌های عضو زنجیره تامین کالاها و خدمات(از تولید کننده مواد اولیه تا مصرف کننده نهایی)
- شرکت‌های بازرگانی
- شرکت‌های فعال در حوزه واسطه‌گری مالی
- فروشگاه‌های زنجیره‌ای ارائه دهنده انواع کالاهای مصرفی

تحلیلی بر معمای نقدینگی در ایران



محمد کوثری

کارشناس تحقیقات اقتصادی بانک خاورمیانه



فرشید اسلامبولچی

کارشناس تحقیقات اقتصادی بانک خاورمیانه

♦ در سال‌های اخیر بنگاه‌های تولیدی از یک‌سو عدم دسترسی به اعتبارات و نقدینگی کافی، یعنی کمبود نقدینگی، را یکی از محدودیت‌های اصلی بخش تولید عنوان می‌کنند و از سویی دیگر بسیاری از تحلیل‌گران اقتصادی بخش قابل‌ملاحظه‌ای از مشکلات اقتصادی، به‌خصوص ماندگاری تورم دو رقمی را به دلیل حجم بالای نقدینگی و رشد بیش از حد اعتبارات بانکی می‌دانند. پدیده کمبود نقدینگی در سطح خرد و مازاد آن در سطح کلان به "معمای نقدینگی" شهرت یافته است.

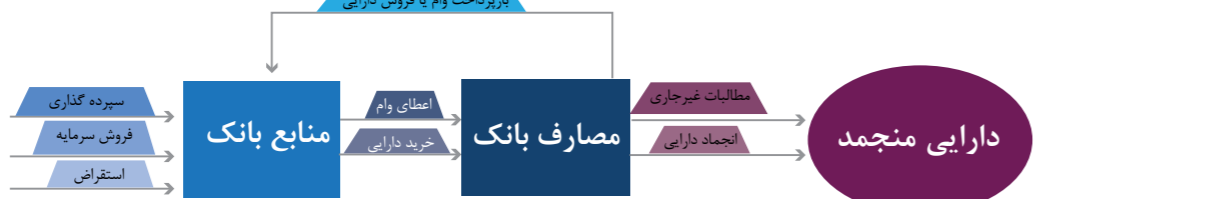
در رابطه با کمبود نقدینگی، هر تقاضای پاسخ داده نشده‌ای را نباید به معنی کمبود اعتبارات دانست. از آنجا که در ایران معمولاً نرخ بهره به صورت دستوری و در نرخ‌ی پایین‌تر از نرخ تعادلی تعیین می‌شود، بالا بودن حجم متقاضیان دریافت تسهیلات امری طبیعی است. با این حال در غیاب روشی برای تخصیص بهینه‌ی تسهیلات محدود به متقاضیان کثیر، این امر موجب عدم دسترسی برخی بنگاه‌های کارآمد به نقدینگی موردنیاز و لذا کاهش تولید آن‌ها، و به تبع آن کاهش رشد درآمد ملی می‌شود.

نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی در ایران در حد معمول و متداول اکثر کشورهای دیگر است اما نرخ تورم در ایران بسیار بالاتر از دیگر کشورهاست و این امر می‌تواند حاکی از آن باشد که اقتصاد ایران ظرفیت جذب حجم نقدینگی تولید شده توسط نظام بانکی را ندارد و لذا افزایش نقدینگی بیش از آن‌که روی بخش واقعی تأثیر بگذارد، قیمت‌ها را افزایش داده است. افزایش ریسک سیستماتیک شبکه بانکی نیز در سال‌های اخیر از ارایه تسهیلات و رای ظرفیت امن نظام بانکی حکایت دارد. از سال ۱۳۸۴ به بعد (به استثنا سال ۱۳۹۴) نه تنها شبکه بانکی ذخیره احتیاطی نگهداری نکرده، بلکه متوسط سپرده قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی در برخی سال‌ها منفی بوده است.

| | پایان اسفند | | | | | پایان شهریور | | | | |
|---------------------------------------|-------------|-------|-------|-------|-------|--------------|------|------|------|------|
| | ۱۳۸۹ | ۱۳۹۰ | ۱۳۹۱ | ۱۳۹۲ | ۱۳۹۳ | ۱۳۸۹ | ۱۳۹۰ | ۱۳۹۱ | ۱۳۹۲ | ۱۳۹۳ |
| نقدینگی اسمی (هزار میلیارد ریال) | ۲۹۴۹ | ۳۵۴۳ | ۴۶۰۷ | ۵۹۴۸ | ۶۵۳۸ | ۲۵۱۲ | ۲۰۰۱ | ۳۰۰۰ | ۲۹۰۱ | ۱۳۹۲ |
| شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی | ۹۲ | ۱۱۰ | ۱۵۶ | ۱۸۷ | ۲۰۲ | ۱۹۰۷ | ۲۰۰۵ | ۴۱۰۳ | ۱۹۰۷ | ۱۴۰۴ |
| نقدینگی واقعی (میلیارد ریال) | ۳۲۱۹۳ | ۳۲۰۸۸ | ۲۹۵۵۱ | ۳۱۸۷۵ | ۳۲۳۴۷ | ۴۰۵ | -۰۰۳ | -۷۰۹ | ۷۰۹ | ۹۰۱۲ |
| درصد تغییر نسبت به دوره مشابه سال قبل | | | | | | | | | | |
| شهریور | ۱۳۸۹ | ۱۳۹۰ | ۱۳۹۱ | ۱۳۹۲ | ۱۳۹۳ | شهریور | ۱۳۹۲ | ۱۳۹۳ | ۱۳۹۴ | ۱۳۹۵ |
| نقدینگی اسمی (هزار میلیارد ریال) | ۲۹۴۹ | ۳۵۴۳ | ۴۶۰۷ | ۵۹۴۸ | ۶۵۳۸ | ۲۹۰۱ | ۲۹۰۱ | ۳۰۰۰ | ۲۹۰۱ | ۱۳۹۲ |
| شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی | ۹۲ | ۱۱۰ | ۱۵۶ | ۱۸۷ | ۲۰۲ | ۱۹۰۷ | ۲۰۰۵ | ۴۱۰۳ | ۱۹۰۷ | ۱۴۰۴ |
| نقدینگی واقعی (میلیارد ریال) | ۳۲۱۹۳ | ۳۲۰۸۸ | ۲۹۵۵۱ | ۳۱۸۷۵ | ۳۲۳۴۷ | ۴۰۵ | -۰۰۳ | -۷۰۹ | ۷۰۹ | ۹۰۱۲ |

مأخذ: محاسبات محقق با استفاده از داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

معمای نقدینگی را می‌توان از دید کلان و از دید خرد بررسی کرد. در سطح کلان اولاً هرچند در طول چند سال اخیر نقدینگی به طور اسمی رشد بالایی داشته اما رشد نقدینگی واقعی کم و در برخی سال‌ها حتی منفی بوده است. ثانیاً توجه صرف به حجم و مقدار نقدینگی در تحلیل وضعیت آن می‌تواند گمراه کننده باشد چرا که کارایی نقدینگی در گرو گردش آن است؛ اگر نقدینگی از طریق منابع راکد افزایش یابد، امکان تحرک‌پذیری و چرخش آن در فعالیت‌های مولد فراهم نخواهد بود. کارکرد سیستم بانکی مستلزم چرخاندن مستمر نقدینگی مابین تسهیلات و سپرده‌هاست اما در سال‌های اخیر منبسط شدن ترانزنامه بانک‌ها و لذا افزایش نقدینگی عمدتاً با افزایش سهم سرمایه‌گذاری مستقیم و تملک دارایی‌های ثابت و همچنین استمهال بدهی‌های معوق همراه بود است. به این ترتیب بخش قابل ملاحظه‌ای از نقدینگی در ترانزنامه بانک‌ها منجمد شده است و از کیفیت نقدینگی خلق شده کاسته شده به طوری که بخشی از آن نتواند به شکل تسهیلات در اختیار بنگاه‌ها قرار گیرد.



در سطح خرد شکایت بنگاه‌های تولیدی از بابت کافی نبودن سطح سرمایه در گردش است. برخی شوک‌های وارد شده به اقتصاد که عمدتاً به دلیل وجود رکود اقتصادی و اعمال تحریم‌های بین‌المللی بوده‌اند، نه تنها موجب اختلال در مکانیزم تامین سرمایه در گردش بنگاه‌ها شده‌اند، بلکه نیاز آن‌ها به این نوع سرمایه را نیز افزایش داده‌اند. مهم‌ترین این شوک‌ها عبارتند از: به تعویق افتادن پرداخت مطالبات جاری بنگاه‌ها، کاهش تقاضا و سطح پیش‌فروش بنگاه‌ها، اختلال در مکانیزم اعتبار اسنادی و جذب سرمایه‌های خارجی، افزایش قیمت حامل‌های انرژی و کاهش ارزش ریال در مقابل ارزهای معتبر خارجی.

بخشی از دلایل کمبود نقدینگی نیز به مشکلات ساختاری حاکم بر اقتصاد کشور برمی‌گردد. برای مثال در کشورهای توسعه یافته بانک‌ها عمدتاً تامین مالی کوتاه‌مدت را بر عهده داشته و بنگاه‌ها برای تامین سرمایه درازمدت خود معمولاً به بازار سرمایه مراجعه می‌کنند. در چنین شرایطی نقدینگی در مدت زمان کوتاهی به بانک‌ها بازگشته و این امکان به وجود می‌آید که تسهیلات جدیدی اعطا شود. اما در ایران به دلیل مهیا نبودن ابزارهای مالی کارا و ضعف بازار سرمایه، این امکان برای بنگاه‌ها وجود ندارد. اعتبارات بانکی محدود نیز، به دلیل عدم وجود نهادهای اعتبارسنجی و رتبه‌بندی رسمی و معتبر، تنها به تعداد محدود و مشخصی از بنگاه‌ها اختصاص یافته است. عدم وجود مکانیزم ورشکستگی و بازسازی بنگاه‌ها نیز باعث شده که بنگاه‌های بزرگ حتی زمانی که ادامه فعالیتشان توجیه اقتصادی ندارد باز هم از تسهیلات تکلیفی و حمایت‌های مالی دولت استفاده کنند و معمولاً با عدم بازپرداخت تسهیلات همراه باشند. مطالبات بازپرداخت نشده از سوی بنگاه‌های دولتی حتی در دسته‌بندی مطالبات معوق قرار نمی‌گیرند و صورت‌های مالی بانک‌ها منجمد شدن این بخش از نقدینگی را آشکار نمی‌سازند. در این شرایط نسبت کفایت سرمایه و شاخص‌های احتیاطی بانک‌ها نیز زیر سؤال می‌رود و باز هم به دلیل عدم وجود مکانیزم ورشکستگی، بانک‌های ناسالم از چرخه‌ی اقتصاد خارج نشده و با فعالیت نامطلوب خود، نقدینگی بیشتری را منجمد می‌کنند.

بنابراین معمای نقدینگی، ناشی از مجموعه‌ای از عوامل خرد و کلان و ساختاری است که موجب شده‌اند از یک سو نقدینگی موجود در کشور علیرغم حجم بالای آن کیفیت و کارایی لازم را نداشته و در بین بازارها و بخش‌های اقتصادی گردش نکند و از سوی دیگر شوک‌هایی به اقتصاد وارد شود که نه تنها نیاز بنگاه‌ها به سرمایه در گردش را افزایش دهد، بلکه مکانیزم‌های پیشین آن‌ها برای تامین مالی کوتاه مدت را نیز مختل سازد. ■

به: متن فوق برگرفته از گزارش "تحلیلی بر معمای نقدینگی در ایران" قابل دسترسی در سایت بانک خاورمیانه http://middleeastbank.ir/uploads/tahillil-baran-moamaaye-naghdinegi.pdf می‌باشد.

براساس آمار بانک جهانی در مورد نرخ رشد جمعیت کشورها، در میان ۲۳۰ کشور، ایران با نرخ رشد ۱/۳۲ درصدی در جایگاه ۹۸ قرار دارد. جمعیت جهان با آهنگ ۱/۱۵ درصدی در حال رشد است. جمعیت یکی از عناصر اساسی در تعیین سرنوشت کشورهاست و در صورتی که بتواند به درستی مدیریت شود، می‌تواند یکی از زمینه‌های پیشرفت باشد. کشور ما منابع بسیاری دارد که اگر شرایط مدیریتی به‌گونه‌ای باشد که آینده افراد تضمین شود، افزایش جمعیت می‌تواند یک فرصت خوب برای پیشرفت کشور باشد. نرخ رشد جمعیت در سال‌های اخیر حتی به زیر یک درصد نیز رسید که زنگ خطری برای آینده کشور بود و با هشدارهای مسئولان سیاست‌های گاهشی متوقف و نرخ رشد جمعیت کشورمان با افزایش همراه گشت. علاقمند شدن افراد کشور به داشتن فرزند مسئله‌ای نیست که با دستور انجام گیرد. بشر علاقمند به تولید نسل است و اگر شرایط فراهم شود، جمعیت با آهنگ طبیعی خود افزایش خواهد یافت. شرایط اقتصادی مهم‌ترین عامل ترغیب افراد به تولید نسل است. لذا بهبود این شرایط باید در دستور کار قرار گیرد.



تک‌فرزندی پدیده فراگیر نسل امروز مشکل بزرگ نسل فردا



سید مسعود حسینی
کارشناس اداره جمعیت، نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران

بعد از اینکه در اوایل انقلاب اسلامی و در دهه ۱۳۶۰ با افزایش جمعیت مواجه شدیم طرح کنترل جمعیت تنها گزینه مناسب برای آن شرایط به شمار می‌رفت اما با گذشت دو دهه از این افزایش جمعیت با پدیده دیگری مواجه شده‌ایم که از آن به پدیده تک‌فرزندی یاد می‌شود. این پدیده از دهه ۱۳۸۰ شروع شده و روند افزایش تک‌فرزندی از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰ نیز در حال فزونی یافتن است.

مقایسه نتایج سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در

سطح کل کشور و به ویژه در استان‌هایی نظیر گیلان،

مازندران، گلستان، تهران، البرز و حتی آذربایجان شرقی

نشان می‌دهد که پدیده تک‌فرزندی به شدت در حال

افزایش است.

یکی از دلایل مهم کاهش نرخ رشد جمعیت، کاهش نرخ باروری و افزایش تعداد خانوارهای تک‌فرزند می‌باشد.

اهمیت بحث تک‌فرزندی

گرایش به تک‌فرزندی می‌تواند از منظر یک تمایل فردی و یا یک موقعیت اجتماعی مورد تحلیل قرار گیرد. گرایش و تمایل به تک‌فرزندی باعث می‌شود تعداد و نسبت خانوارهای تک‌فرزند در جامعه افزایش یابد و جامعه با کاهش رشد جمعیت و در نهایت کهنسالی روبرو شود. گرایش زنان و خانواده‌ها به تک‌فرزندی تنها یک مسئله جمعیتی نیست. فرآیند اجتماعی شدن فرزندانکه در خانواده‌های تک‌فرزند رشد و نمو پیدا می‌کنند در مقایسه با سایر فرزندان، از شرایط متفاوتی برخوردار است.

تعریف خانوار تک‌فرزند

در این تحقیق خانوارهایی تک‌فرزند تلقی شده‌اند که سن زنان سرپرست خانوار یا زنان همسر سرپرست خانوار ۳۵ سال و بیشتر بوده و در زمان سرشماری فقط یک فرزند داشته‌اند.

افزایش تک‌فرزندی با افزایش تحصیل زنان

توزیع نسبی تعداد زنان دارای یک فرزند زنده نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰، ۳/۲ درصد از زنان بی‌سواد دارای فرزند فقط دارای یک فرزند زنده می‌باشند و ۹۶/۸ درصد از آنان دارای دو فرزند زنده و یا بیش‌تر بوده‌اند. در همین راستا نسبت تک‌فرزندی در بین زنان

و میزان فرزندآوری افراد به طور مستقیم و یا غیر مستقیم متاثر از ارزش‌های فردگرایی می‌باشند. به نظر می‌رسد که خانوارهای نسل جدید تمایل ندارند که اهداف و ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی خود را فدای فرزندآوری کنند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نسبت تک‌فرزندی در بین تحصیل‌کرده‌های استان‌های مختلف از تفاوت‌های زیادی برخوردار است. یک نمونه دیگر از نتایج این تحقیق می‌تواند جنبه‌های پیچیده این موضوع را روشن‌تر سازد. بررسی تک‌فرزندی زنان و وضع فعالیت آنها نشان می‌دهد که در کل کشور و به طور متوسط میزان تک‌فرزندی در بین زنان بیکار بیش‌تر از زنان شاغل است اما در مورد استان تهران و البرز نسبت تک‌فرزندی در بین زنان شاغل بیش‌تر از زنان بیکار می‌باشند و این نسبت در مقایسه با سایر استان‌ها به طور معنی‌داری زیادت‌تر است. به نظر می‌رسد که یکی از دلایل عمده این تفاوت‌ها، توسعه نامتوازن مناطق جغرافیایی کشور می‌باشد. چنین مسئله‌ای در مورد بررسی همزمان وضع ازدواج زنان و تک‌فرزندی نیز مشاهده می‌شود.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نقش زنان در بروز پدیده تک‌فرزندی بسیار پررنگ‌تر از نقش مردان می‌باشد. برای مثال مقایسه نسبت تک‌فرزندی بر حسب تحصیلات و وضع فعالیت زنان و مردان نشان می‌دهد که تاثیرپذیری امکان تک‌فرزندی از تحصیلات و وضع فعالیت زنان بسیار بیش‌تر از تحصیلات شوهران می‌باشد. در مجموع باید گفت که پدیده تک‌فرزندی به شدت در کشور در حال گسترش است و این پدیده در عین حال که بر جمعیت کشور تاثیر دارد در آینده نیز عواقب اجتماعی و روانی زیادی برای فرزندان به دنبال خواهد داشت. لازم است عوامل موثر بر کاهش فرزندآوری به ویژه پدیده تک‌فرزندی شناسایی شوند و مسئولان اجرایی کشور با اتخاذ سیاست‌های مناسب زمینه افزایش فرزندآوری در خانوارها را فراهم کنند. ایجاد یک اقتصاد پایدار، افزایش اشتغال در کشور و ارتقاء سطح زندگی خانوارها از جمله راهکارهای مقابله با پدیده تک‌فرزندی است. با ایجاد بسترهای لازم برای ازدواج جوانان می‌توان به افزایش جمعیت کمک کرد. آگاه کردن خانواده‌ها از معضلات تک‌فرزندی نیز می‌تواند در کاهش پدیده تک‌فرزندی در کشور موثر باشد. ■

منبع: خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارهای تک‌فرزند در سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، پژوهشکده آمار، مهدی وحدتی، سیدمسعود حسینی، مهدی حسین‌پوری، و صمد احسانی

مناطق چهارگانه تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست مقری برای حفظ سیمای طبیعی و تاریخ طبیعی ایران است که از این رهگذر نسل آینده می‌تواند بی‌کم و کاست به شناخت تبار میراث خود بپردازد.

♦ حفظ ذخایر ژنتیکی و اجازه‌دادن به عملکرد کم‌نظیر و دقیق فرآیند تنوع زیستی در پایه‌های ژن، گونه و زیستگاه تنها بخش کوچکی از کارکرد مناطق چهارگانه‌اند. امروز در سراسر دنیا ابعاد وسیعی چون زیبایی شناسی، امکان تولید علم و ایجاد پتانسیل ارتباط فرهنگ‌ها با یکدیگر به مناطق تحت حفاظت مرتبط شده‌اند. یکی از مهمترین کارکردهای نوین مناطق چهارگانه تولید علم است. مناطق چهارگانه با پکر بودن ساختار خود امکان مطالعات وسیعی را بر روی شاخص‌های زیستی و روند تغییرات اکولوژیک در زیستگاه‌ها فراهم می‌آورند.

سازمانحفاظت‌محیط‌زیست مناطق با ارزش زیست‌محیطی ایران را در قالب مناطق چهارگانه

پارک‌های ملی

پارک ملی به محدوده‌ای از منابع طبیعی، از جمله جنگل، مرتع، بیشه‌های طبیعی، دشت، رودخانه، دریاچه و کوهستان اطلاق می‌شود که نمایان‌گر نمونه‌های برجسته‌ای از مظاهر طبیعی باشد. دولت‌ها به منظور حفظ همیشگی وضعیت زیست‌بوم و همچنین ایجاد محیط مناسب برای تکثیر و پرورش جانوران وحشی و رشد گیاهان در خطر انقراض و برای جلوگیری از دخالت‌های مخرب انسانی، این مناطق را تحت حفاظت قرار می‌دهند. تعریف رسمی «پارک ملی» از دیدگاه سازمان حفاظت محیط زیست به این شرح است: «مناطق طبیعی به نسبت وسیع و دارای ویژگی‌های خاص و اهمیت ملی به لحاظ زمین شناسی، بوم شناسی، جغرافیای زیستی و چشم انداز، با هدف‌های حفظ وضعیت زیستی و طبیعی، بهبود جمعیت گونه‌های جانوری و رویشگاه‌های گیاهی و همچنین بهره‌برداری تفریحی به عنوان پارک ملی انتخاب می‌شوند. پارک‌های ملی مکان‌های مناسبی برای فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و گردشگری در طبیعت به شمار می‌آیند. به منظور حفاظت بنیادی از تنوع زیستی، ذخایر ژنتیکی، یکپارچگی اکولوژیک و چشم اندازها، فعالیت‌های مرتبط با بهره‌برداری‌های مصرفی و مسکونی در این مناطق مجاز نیست. به همین دلیل، برای پارک‌های ملی پشتوانه قانونی حفاظتی مستحکم‌تری نسبت به سایر مناطق حفاظت شده پیش‌بینی شده است.



پناهگاه‌های حیات وحش

پناهگاه حیات وحش کلاً به محدوده‌ای از منابع طبیعی کشور اعـم از جنگل و مرتع و دشت، آب و کوهستان اطلاق می‌شود که دارای زیستگاه‌های طبیعی نمونه و شرایط اقلیمی خاصی برای جانوران وحشی بوده و به منظور احیاء این زیستگاه‌ها تحت حفاظت قرار می‌گیرد. این مناطق، محیط‌های مناسبی برای فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی به ویژه در ارتباط با جانوران وحشی به شمار می‌آیند. بهره‌برداری مصرفی و سازگار و همچنین فعالیت‌های گردشگری کنترل شده در پناهگاه‌ها مجاز است. کمترین وسعت پناهگاه‌های حیات وحش باید به حدی باشد که ضمن رفع نیاز گونه‌های جانوری، پیوستگی و ارتباط متقابل واحدهای آن‌ها را نیز تضمین کند.

پارک‌های ملی، آثار طبیعی ملی، پناهگاه‌های حیات‌وحش و مناطق حفاظت شده تقسیم کرده است.

همچنین منطقه شکارممنوع برای ترمیم جمعیت جانوری اختصاص داده می‌شود که می‌توان آن را با توجه به سایر معیارها، به عنوان یکی از مناطق چهارگانه تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران تعیین کرد. سازمان حفاظت محیط زیست ۱۵۳ منطقه شکارممنوع را معرفی کرده است.

ایران، دارای شرایط اقلیمی متنوعی است به طوری که از ۱۳ اقلیم شناخته شده در جهان ۱۱انوع در ایران وجود دارد. در عین حال شاخص‌های پایداری محیط زیست ایران در وضعیت وخیمی قرار دارد و با کسب رتبه ۱۳۲ بین ۱۴۶ کشور در انتهای جدول مربوط قرار گرفته است.

تصویب قانون حفاظت و تشکیل کانون شکار ایران در سال ۱۳۳۵، نخستین اقدام مدون برای حفظ جمعیت و تنوع جانوران در ایران به‌شمار می‌آید.ازاین

محیط زیست

رو، زمینه تاسیس یک نهاد دولتی جدید به‌نام سازمان شکاربانی و نظارت بر صید در سال ۱۳۴۶ فراهم شد. این سازمان به‌عنوان یک دستگاه مستقل دولتی و زیر نظر شورای‌عالی شکاربانی و نظارت بر صید، جایگزین کانون شکارشد. در قانون‌های مربوط به این سازمان، امکان اختصاص بخش‌هایی از کشور به پارک‌های ملی(در آن زمان پارک حیات وحش نامیده می‌شد) و منطقه‌های حفاظت شده با تعریف‌های معین فراهم شد. به این ترتیب اولین سنگ بنای مناطق حفاظت شده ایران در سال ۱۳۴۶ نهاده شده است، یعنی ۹۵ سال پس از احداث اولین پارک ملی جهان(پارک ملی یلواستون در آمریکا Yellowstone National Park) و ۱۹ سال پس از بنیانگذاری اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت و منابع. در این سال پیشنهاد تاسیس دو پارک ملی و پانزده منطقه حفاظت شده به‌عنوان نخستین گروه از مناطق حفاظت شده ایران به تصویب شورای عالی شکاربانی و نظارت بر صید رسید.

آثار طبیعی ملی

آثار طبیعی ملی ایران از نظر مقررات سازمان محیط زیست ایران، پدیده‌های نمونه یا مجموعه‌های گیاهی و جانوری (زیست‌محیطی) نادر یا اشکال و مناظر کم‌نظیر، ویژه و غیرقابل‌جایگزین که از جهات علمی، تاریخی یا طبیعی دارای ارزش حفاظتی باشند، به عنوان اثر طبیعی ملی، با تعیین محدوده از آنها حراست می‌شود.

نمونه‌های آثار طبیعی ملی ایران

در حدود ۲۰ اثر طبیعی ملی در ایران وجود دارد که نمونه‌هایی از آن عبارتند از:

گونه گیاهی لاله واژگون چهارمحال وبختیاری: لاله واژگون از خانواده سوسن است. گلدهی لاله‌های واژگون در ماه اردیبهشت می‌باشد.

گونه گیاهی سوسن چلچراغ گیلان: با توجه به نادر بودن این گل سازمان محیط‌زیست اطراف رویشگاه طبیعی سوسن چلچراغ را محصور نموده و اعلام کرده که هرگونه بهره‌برداری از آن‌جا تنها با مجوز رسمی ممکن خواهد بود.

طبیعت علم کوه مازندران: قله علم‌کوه از قابلیت‌های مناسب کوهنوردی و یخچال‌ها و چشم اندازهای بی‌نظیر، برخوردار است. از گونه‌های جانوری واقع در این منطقه می‌توان از کل و بز، خرس قهوه‌ای، پلنگ، کبک دری و از گونه‌های گیاهی می‌توان از ارس خزنده، گیاهان بالشتکی نظیر گون نام برد.

غار ماهی‌کور: غاری است که در استان لرستان، در بخش پایی و در نزدیکی روستایی به نام لُون واقع شده است. این غار تنها اثر طبیعی ملی استان لرستان است. این اثر در سال ۱۳۸۴ به عنوان اثر طبیعی ملی ثبت شده است. دو نمونه نادر و منحصربه‌فرد از ماهیان کور در این غار وجود دارند که مشابه آنها در هیچ نقطه دیگری از دنیا یافت نشده است. این ماهی فاقد قدرت بینایی بوده و به طور کامل کور است و هیچ گونه آثاری از چشم خارجی در آنها مشاهده نمی‌شود و به دلیل این‌که در آب‌های زیرزمینی و در تاریکی غارها زندگی می‌کنند به ماهی کور غازی معروف هستند. کپورماهی کور ایرانی و سنگ ماهی کور ایرانی، دو گونه منحصربه‌فرد و در معرض خطر انقراض موجود در این غار هستند.



منطقه حفاظت شده

منطقه حفاظت شده محدوده‌ای از منابع طبیعی چون جنگل، مرتع، و … است که به جهت ضرورت حفظ و رستنی جانوران و رستنی‌هایش تحت حفاظت قرار دارد و در آن قطع درختان و تخریب و شکار بدون مجوز ممنوع می‌باشد. سازمان‌حفاظت‌محیط‌زیست «منطقه حفاظت شده» را به شرح زیر تعریف نموده است: «راضی به نسبت وسیع با ارزش حفاظتی زیاد که با هدف حفظ و احیای رویشگاه‌های گیاهی و زیستگاه‌های جانوری انتخاب می‌شوند. مناطق حفاظت شده، محیط‌های مناسبی برای اجرای برنامه‌های آموزشی و پژوهش‌های زیست‌محیطی به شمار می‌آیند. انجام فعالیت‌های گردشگری و بهره‌برداری مصرفی و اقتصادی متناسب با نواحی هر منطقه و براساس طرح جامع مدیریت مناطق، مجاز است. ■

منابع: پرتال سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران / ویکی‌پدیا / اطلس مناطق طبیعی ایران

اقتصاد چطور رشد می کند و چرا نمی کند؟



سهند حمزه‌ئی

دید اقتصادی نویسنده: پیترو دی شیف / اندرو جی شیف مترجم: سهند حمزه‌ئی انتشارات آرنا قلم

شخصیت‌های کتاب علاوه بر این که معرف نمادهای تاریخی خاص هستند، به مفاهیم کلی تری هم اشاره می‌کنند. به عنوان نمونه، با اینکه به وضوح بین بارناکل توصیف ما از دبیرکل فد، بین پرنانکه است، اقدامات بارناکل در داستان صرفا در مورد خود پرنانکه صدق نمی‌کند. او کمابیش نماینده تمام اقتصاددان‌های تورمی متعصب است.

در ۲۰۰۷، وقتی بزرگ‌ترین فاجعه اقتصادی سه نسل گذشته داشت به دنیا چنگ و دندان نشان می‌داد، اقتصاددان‌های خیلی کمی می‌دانستند مصیبتی در شرف وقوع است. بعد از سه سال مخصصه، حالا اقتصاددان‌ها درمان‌هایی تجویز می‌کنند که به نظر اکثر مردم یکسره مسخره‌اند. به ما می‌گویند باید تا خرخره در بدهی فرو برویم تا بحران بدهی‌مان را درست کنیم و باید خرج کنیم تا کار و بار سکه بشود. دلیل بینش ضعیفی که آن موقع داشتند و حالا راه‌حل‌هایشان با شهود جور در نمی‌آید، این است که تعداد کمی از آن‌ها می‌دانند علمشان واقعا چطور کار می‌کند.

اگر جزء آن دسته از افرادی هستید که وقتی اقتصاددان‌ها در مورد یک واقعه اقتصادی صحبت می‌کنند احساس می‌کنید که حرف‌های آن‌ها با واقعیت‌ها جور در نمی‌آید، این کتاب مناسب شما نوشته شده است. ما می‌خواهیم نشان بدهیم مدلی که کینزین‌ها پیشنهاد می‌دهند اشتباه و خطرناک است و بر اساس این مدل دولت‌ها بدون هیچ عواقبی هزینه می‌کنند با پشتوانه این عقیده که پول بی‌ارزش روان‌کننده موثری برای اقتصاد است.

خبر بد این که وقتی عینک خودش خیالی را که اقتصاددان‌ها فراموش کرده‌اند بر چشم دارند بر می‌داریم، به وضوح می‌بینیم که مردم با مشکلات بزرگی درگیر هستند که نه تنها بهبود نمی‌دهیم بلکه داریم به آن‌ها دامن هم می‌زنیم. خبر خوب این که اگر مسائل را شفاف کنیم، آن وقت حداقل می‌توانیم سعی کنیم مشکلات را حل کنیم.

با توجه کامل به این که موضوع کتاب کاملاً جدی است، می‌خواستیم به آن کمی چاشنی طنز بدهیم، چرا که لازمه شرایط پر استرس کنونی است.



سرگذشت کتاب

اروین شیف نمادی بلندآوازه شده و نام او عمدتا به جنبش ملی مقابله با مالیات بر درآمد فدرال گره خورده‌است. او بیش از ۳۵ سال به دفاع به روش‌های خدمات درآمد داخلی اعتراض کرده‌است با پافشاری بر این که مالیات بر درآمد با سه اصل مالیاتی قانون اساسی، اصلاحیه شانزدهم، و خود قوانین درآمدی مغایرت دارد. او کتاب‌های زیادی در این‌باره نوشته‌است و صراحتا به دولت فدرال در دادگاه اعتراض کرده‌است. او بخاطر همین فعالیت‌هایش بهای شخصی سنگینی می‌پردازد. او در ۸۲ سالگی در زندان فدرال محبوس مانده‌است.

اما پیش از این که به مالیات‌ها بپردازد، اروین شیف به عنوان یک اقتصاددان، اسم و رسمی برای خودش دست و پا کرده بود. در ۱۹۷۲ اروین دست بکار اولین حمله‌اش شد در برابر اینکه چطور اقتصاددان‌های کینزینی ایالات متحده را در مسیر اقتصادی بی‌ثبات قرار می‌دادند. کتاب او «بزرگترین کلاه‌برداری: چطور دولت شما را سرکپسه می‌کند» با استقبال عمومی منتقدان روبرو شد و فروش بالایی داشت. بین حکایت‌های بسیاری که در کتاب وجود داشت داستانی بود دربارهٔ سه مرد در جزیره‌ای که با دست ماهی می‌گرفتند.



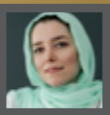
سرمنشاء داستان به قصه‌هایی بر می‌گشت که اروین در مسافرت‌های خانوادگی‌اش در ماشین تعریف می‌کرد. وقتی در ترافیک گیر می‌کردند، اروین سعی می‌کرد دو پسر کم سن و سالش را با درس‌های پایه‌ای اقتصاد سرگرم کند. برای این کار او همیشه به داستان‌های بامزه روی می‌آورد. این یکی به «داستان ماهی» معروف شد.

این حکایت به قلب یکی از فصل‌های کتاب «بزرگترین کلاه‌برداری» تبدیل شد. تقریباً هشت سال بعد، پس از این که خواننده‌های بسیاری در نظراتشان اظهار کردند که خیلی از این داستان خوششان آمده‌است، او تصمیم گرفت کتاب مصور کاملی در این باره بنویسد. کتاب «اقتصاد چطور رشد می‌کند و چرا نمی‌کند» اولین بار در ۱۹۷۹ منتشر شد، و می‌رفت که به موجی در میان هواخواه‌های اقتصاد اتریشی بدل شود.

سی سال بعد، وقتی می‌دیدم اقتصاد ایالات متحده بر لبه پرتگاه قرار گرفته‌است، و دولت همان اشتباهات گذشته را دوجندان تکرار می‌کند، من و برادرم فکر کردیم وقت مناسبی است که «داستان ماهی» را برای نسل‌های جدید به‌روز کنیم.

قطعا نیاز به شفافیت در اقتصاد هیچ وقت به این اندازه نبوده و بهترین ابزار برای آشنا کردن مردم با مبانی آنچه که اقتصاد را جلو می‌برد داستان است.

این نسخه از آنچه که اروین ۳۰ سال پیش نوشته بود مفصل تر است. ما حوزه وسیع تری را پوشش دادیم و تلاش کردیم توالی تاریخی ماجرا را بیشتر رعایت کنیم. در واقع داستان، نمایی است از آن چه که اتفاق افتاده‌است.



مریم ذوالفقار

کارشناس مدیریت ارتباطات بانک خاورمیانه

امید گوگل

هدف ما از معرفی چهره در هر شماره ارزش املاک وی یا تعداد کشتی‌های تفریحی‌اش نیست. آدم‌های موفق براساس مقیاس‌های مختلفی بررسی می‌شوند. یک وقت دید ما صرفا روبرنایی است و یک بار همراه با انتقاد است و بار دیگر می‌تواند جور دیگری باشد. به دنبال چهره‌ای می‌گشتیم که تامین‌کننده یک نگاه جامع باشد. جستجوهایمان به امید کردستانی رسید.

◆ امید کردستانی که هم اکنون از مدیران ارشد گوگل است در سال ۱۹۶۵(۱۳۴۳) در تهران متولد شد و تا ۱۴ سالگی در ایران مشغول به تحصیل بود. پس از فوت پدر بر اثر ابتلا به بیماری سرطان، همراه با مادر و برادرش به انگلستان رفت، پس از مدتی در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۵) به شهر سن خوزه رفت و در ایالت کالیفرنیا ساکن شد و در آن‌جا به ادامه تحصیل پرداخت.

امید پیش از مهاجرت در تهران به مدرسه ایتالیایی‌ها می‌رفت که سبب شد انطباق او با فرهنگ کشور جدید سریع‌تر و راحت‌تر صورت گیرد. در دبیرستان به فلسفه علاقه مند شد و خیلی زود از محیط جدید زندگی خوشش آمد و در سال ۱۹۸۴ از دانشگاه سن خوزه لیسانس مهندسی برق را دریافت کرد. او پس از دریافت مدرک کارشناسی در بخش‌های بازاریابی، توسعه تجاری و مدیریت تولید در شرکت ایچ پی مشغول به کار شد. وی مدرک کارشناسی ارشد را در رشته مدیریت ارشد و کسب و کار از دانشگاه استنفورد دریافت کرد. تجربه‌هایی که او در این سال‌ها کسب کرده بود در موفقیت‌های آتی وی نقش بسزایی داشت.

او کار خود را در بخش فروش OEM Original Equipment Manufacturer آغاز کرد و در طی ۴ سال حضورش در این شرکت مسئول برقراری ارتباطات تجاری با شرکت‌هایی از جمله Citibank ,ebay ,Amazon ,Travelocity ,intel و AOL بود.

امید برای چند سال در کمپانی نت اسکپ Netscape مشغول به کار شد و درسال ۱۹۹۹ پس از ترک این کمپانی به شرکت گوگل پیوست و به عنوان یکی از اعضای برجسته کادر اجرایی درآن جا مشغول به کار شد. پس از تلاش فراوان به سمت مدیر ارشد بازاریابی و توسعه بین الملل شرکت دست یافت. او در زمان فعالیت خود در شرکت توانست وضعیت مالی شرکت را در مدت زمان ۱۸ ماه از ۸۸ میلیون دلار به ۲۰۰ میلیون دلار در سال ارتقا دهد. امید با هدف سپردن سکان مدیریت به نسل جدید و تزریق نگاهی نو به شرکت در سال ۲۰۰۹ شرکت گوگل را ترک کرد.

او در این مدت زمان بیشتری را با خانواده سپری می‌کرد و به تفریحات مورد علاقه خود یعنی همان بازی تنیس و گلف مشغول بود. به گفته وی این اولین باری بود که او با خیال آسوده توانسته بود زندگی کند. اما او به طور کامل از حلقه مدیریت گوگل خارج نشد و لری پیچ (Larry Page) از مدیران گوگل) از وی خواست به عنوان مشاور در گوگل بماند.در سال ۲۰۱۴ پیچ از وی خواست که همزمان با ترک نیکش آرورا Nikesh Arora مدیر ارشد کسب و کار در شرکت گوگل جایگزین وی شود.

مصاحبه امید برای حضور در شرکت گوگل که همگان را شگفت زده کرد توسط لری پیچ Larry Page و سرگی برین Sergey Brin از بنیانگذاران گوگل انجام شد. این دو در سپتامبر سال ۱۹۹۸ در حالی که هر دو دانشجوی دکتری در دانشگاه استنفورد بودند شرکت گوگل را تاسیس کردند و لری پیچ تا سال ۲۰۰۱ مدیر

عامل شرکت بود.

یکی از علل موفقیت امید ارایه راه‌کارهایی بود که یکی از آنها تئوری حراج Auction Theory نام دارد که امید از این تئوری بهره جست و توانست از اینترنت که یکی از فضاهای اصلی حراج می‌باشد بهره گیرد.

در حال حاضر همانند موارد دیگری که وارد اینترنت شده‌اند حراج‌های اینترنتی در دنیای تجارت الکترونیک در حال رشد است. برگزاری حراج در اینترنت مزایا و معایب خاص خود را دارد. از مزایای آن برگزاری حراج در سطح دنیا بدون نیاز به مراجعه حضوری شرکت‌کنندگان در حراج است و از معایب آن مسائل امنیتی و عدم اطمینان به فضای مجازی است. در حال حاضر شرکت‌هایی که حراج کار اصلی آن‌ها است، معمولا بر داشتن سایت‌های مجهز و رعایت کامل قواعد و قوانین اصرار دارند.

یکی دیگر از علل موفقیت کردستانی تمرکز بر نیازهای خاص صاحب هرآگهی و استفاده از آگهی‌های کوچک و بهره گرفتن از کارت‌های اعتباری برای واریز کردن مبلغ هر آگهی به گوگل و بهره‌جستن از مراجعان بسیار زیاد این شرکت است که وی توانست به طور چشمگیری فروش گوگل را از حدود ۰ به ۳ میلیارد دلار برساند.

امید مشاور مخصوص مدیر عامل گوگل است. به گزارش وب‌سایت بیزینس اینسایدر Business Insider دریافتی وی از شرکت گوگل نزدیک به ۱۳۰ میلیون دلار (نزدیک به ۵۰۰ میلیارد تومان) بوده‌است که این مبلغ شامل ۱۱۷ هزار سهم از سهام گوگل به ارزش ۶۴ میلیون دلار می‌باشد.* در طی این سال‌ها، شرکت به اندازه‌ای وسعت پیدا کرده که در حال حاضر ۵۵۰۰۰ کارمند در سرتاسر دنیا دارد. ■

* http://www.businessinsider.com/omid-kordestani-made-130-million-in-2014-2015-4

همیشه به ایسن نکته باور داشته باشمید که یاد گرفتن و فهمیدن در زندگی هیچوقت متوقف نمی‌شود. پس سعی کنید همیشه در زندگی یاد بگیرید.

هر وقت شما در زندگی خود پیرو ندای درونتان باشید حتما به موفقیت خواهید رسید، هرگز اجازه ندهید که بول هدف و مسیر زندگی شما را مشخص کند.



نوآوری در تامین مالی

♦ به طور کلی در مباحث متعارف علم اقتصاد، اقتصاد هر کشور به دو بخش واقعی و مالی تقسیم می‌شود. بخش واقعی اقتصاد بیانگر کالاها و خدمات از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان است و بخش مالی بیانگر جریان وجوه (اعتبارات) و سرمایه در چارچوب قوانین و مقررات مشخص از سوی پس‌اندازکنندگان و صاحبان سرمایه به طرف متقاضیان وجوه است. یکی از الزامات توسعه اقتصادی هر کشور طبق اظهارنظر صاحب‌نظران، توسعه بخش مالی آن کشور است. هر چه این بخش، توسعه یافته‌تر و ابزارها و شیوه‌های تامین مالی مورد استفاده در آن متنوع‌تر باشد، اثربخشی و کارایی آن در پاسخگویی به نیازهای بخش‌های مختلف اقتصادی افزون‌تر خواهد بود.

انجام مبادلات در بخش مالی اقتصاد، بازارهای مالی را شکل می‌دهد. بازار مالی، بازاری است که می‌توان از طریق آن منابع مالی مورد نیاز را به دست آورد (خلعت‌بری، ۱۳۷۱، …). بازار پول و بازار سرمایه دو گونه مهم از بازارهای مالی هستند. به‌طورکلی، نظام تامین مالی به دو بخش "بانک محور" و "بازار محور" تقسیم می‌شود که وجود هر دو دسته برای یک اقتصاد بالنده ضروری است (عیسوی، ۱۳۸۹، ۴۹). در نظام‌مالی بانک‌محور، بانک‌ها به عنوان نهادهای فراگیر عمل می‌کنند و بانک‌ها انواع طرح‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت را در اختیار مشتريان قرار می‌دهند. اما در نظام مالی متکی به بازار (اوراق بهادار)، بازار سرمایه نقش فعال‌تر و گسترده‌تری ایفا می‌کند. در این نوع ساخت، بخش قابل ملاحظه‌ای از نیازهای مالی شرکت‌ها از بازار سرمایه تامین می‌شود و بانک‌های سپرده‌پذیر نیز به طور کلی، در زمینه اعطای وام‌های کوتاه‌مدت و ارائه خدمات بانکداری تجاری فعالیت می‌کنند. بازار پول طبق تعریف، بازار دادوستد پول و دیگر دارایی‌های مالی شبیه پول است که سررسید کمتر از یک سال با سررسید بیش از یک سال در آن مورد معامله قرار می‌گیرد. نظام تامین مالی در ایران به دلایل مختلف بانک محور

است. از آنجا که سیستم بانکی به تنهایی توان پاسخگویی به نیازهای فزاینده و متنوع مالی اقتصاد را ندارد، نوآوری در تامین مالی برای رفع این مسئله اجتناب‌ناپذیر است. از این‌رو استقرار، حفظ و توسعه یک بازار سرمایه کارا، شفاف و سالم یکی از الزامات رفع مشکلات متعدد نظام اقتصادی کنونی است. آمارها نشان می‌دهد بیش از ۶۵ درصد از تشکیل سرمایه کشور از طریق بانک‌ها و ۳۵ درصد باقی‌مانده از طریق بازار سرمایه و سایر روش‌ها صورت می‌گیرد. این نسبت در مقایسه با سایر کشورهای توسعه‌یافته نشان از ضرورت توجه به توسعه بازار سرمایه، نوآوری

در طراحی ابزارهای مالی جدید و حرکت در جهت افزایش سهم

بازار سرمایه در نظام تامین مالی کشور دارد.

در نظام مالی متعارف، شرکت‌ها از طریق انواع "اوراق قرضه" و "سهام" اقدام به تامین مالی می‌نمایند اما در نظام مالی اسلامی، شرکت‌ها به جای اوراق قرضه از اوراق بهادار اسلامی (صکوک) به منظور تامین مالی بهره می‌گیرند. "اوراق بهادار اسلامی" یا "صکوک" یکی از جدیدترین ابزارهای تامین مالی است که بر مبنای فقه اسلام طراحی شده است. در یک تقسیم‌بندی (بر اساس ماهیت) می‌توان صکوک را به دو گروه تقسیم‌بندی نمود:

۱- **ابزار مالکیت:** نوعی از ابزار مالی است که نشانگر مالکیت دارنده آن است. نظیر صکوک مشارکت و مضاربه.

۲- **ابزار بدهی:** نوعی از ابزار مالی است که نشانگر بدهی ناشر به دارندگان آن می‌باشد و دارندگان اوراق بر اساس قرارداد حق دارند مقدار مشخصی سود دریافت کند. نظیر صکوک اجاره، سَلَم، استصناع و مرابحه.

از دیدگاه دیگر، اوراق بهادار اسلامی را بر اساس بازده و انواع آن می‌توان به‌صورت زیر طبقه‌بندی و مقایسه کرد و بر همین اساس به سرمایه‌پذیران پیشنهاد داد:

ابزارهای مالی غیر انتفاعی

۱- **اوراق قرض الحسنه:** اوراق بهاداری است که بر اساس قرارداد قرض بدون بهره منتشر می‌شود و به موجب آن قرارداد، ناشر اوراق به میزان ارزش اسمی آن‌ها از دارندگان اوراق استقراض می‌کند و به همان مقدار به آنان بدهکار است و باید در سررسید معین یا عندالمطالبه به آنان بپردازد.

۲- **اوراق وقفی:** اوراق بهادار با نامی است که به قیمت اسمی مشخص برای مدت معین (زمان احداث پروژه) منتشر می‌شود و به واقفینی که قصد مشارکت در طرح‌های عام‌المنفعه را دارند واگذار می‌گردد.

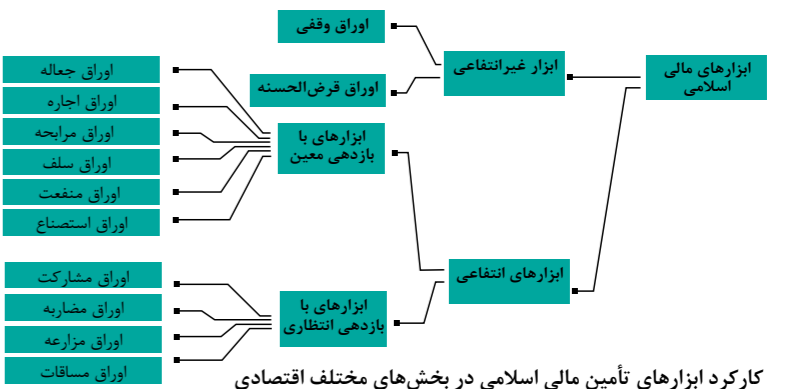
ابزارهای مالی انتفاعی با سود معین

اوراق اجاره: اوراق بهاداری است که براساس عقد اجاره منتشر می‌شود و مبنای آن مالکیت مشاع دارندگان آن در دارایی مورد اجاره می‌باشد.

اوراق مرابحه: اوراق بهاداری هستند که دارندگان آن‌ها به صورت مشاع مالک دارایی مالی (دینی) هستند که بر اساس قرارداد مرابحه حاصل شده است. این اوراق بازدهی ثابت داشته و قابل فروش در بازار ثانوی می‌باشند.

اوراق استصناع: اسناد و گواهی‌های دارای ارزش یکسان

انواع اوراق بهادار اسلامی



| شهرداری | بانک | صنعت | مسکن | دولت | پیمانکاری | بازرگانی | کشاورزی |
|-------------|--------|------------|-------------|--------|------------|----------|---------|
| اسناد خزانه | مرابحه | مشارکت | اسناد خزانه | سلف | مشارکت | مضاربه | مزارعه |
| سفارش ساخت | اجاره | مرابحه | مرابحه | مشارکت | مرابحه | | مشارکت |
| مرابحه | رهنی | اجاره | اجاره | مرابحه | اجاره | | مرابحه |
| اجاره | | سفارش ساخت | | اجاره | سفارش ساخت | | اجاره |



مجید خادم‌الحسینی

کارشناس مدیریت ریسک بانک خاورمیانه

دکتر محمد مهدی تربتی

هستند و برای تجمع وجوه لازم جهت ساخت کالایی استفاده می‌شوند که تحت تملک دارنده صکوک است.

اوراق سَلَف: سَلَف از اقسام بیع و عکس نسبه است. هنگامی‌که شخصی تولید یا ارایه کالای معینی را مورد هدف قرار می‌دهد، با انتشار این نوع صکوک قادر خواهد بود تا منابع مالی مورد نیاز خود را تامین کند. در واقع سرمایه‌گذاران در این اوراق، کالای مورد نظر را پیش خرید کرده‌اند.

اوراق منفعت: سند مالی بهاداری است که بیانگر مالکیت دارنده آن بسر مقدار معینی از خدمات یا منافع آینده از یک دارایی بادوام می‌باشد، که در ازای پرداخت مبلغ معینی به وی منتقل شده‌است.

اوراق جعالة: اوراق مالکیت مشاع خدمتی است که براساس قرارداد جماله تعهد انجام و تحویل آن شده است. بعد از پایان خدمت (موضوع جعالاه)، صاحبان اوراق، مالک مشاع نتیجه خدمت خواهند بود. نتیجه خدمت ممکن است امتیاز مالی یا دارایی فیزیکی باشد.

ابزارهای مالی انتفاعی با سود انتظاری

اوراق مشارکت: سندی است گویای مالکیت دارنده آن، نسبت به بخشی از یک دارایی حقیقی و تا سررسید اوراق، هر نوع تغییر قیمت دارایی متوجه صاحب اوراق مشارکت است.

اوراق مضاربه: سندی است گویای مالکیت دارندگان آن به‌طوری‌که ناشر اوراق مضاربه با واگذاری اوراق، وجوه متقاضیان اوراق را جمع‌آوری کرده به عنوان مضاربه در اختیار بانی قرار می‌دهد و بانی در فعالیت اقتصادی سودآور (بازرگانی) به کار می‌گیرد و در پایان هر معامله با پایان هر دوره مالی سود حاصله را براساس نسبت‌هایی که روی اوراق نوشته شده، میان خود و صاحبان اوراق تقسیم می‌کند.

اوراق مزارعه: سند مالکیت مشاع دارندگان اوراق بر زمین یا زمین‌های زراعی یا دیگر نهاده‌های تولیدی زراعی معین است که طی قرارداد مزارعه برای کشت و زرع در اختیار عامل مزارعه گذاشته شده است.

اوراق مساقات: سند مالکیت مشاع دارندگان اوراق بر باغ یا باغ‌های شمر یا دیگر نهاده‌های تولیدی باغی معین است که به قرارداد مساقات برای باغداری در اختیار عامل قرارداد مساقات گذاشته شده است. ■

۱- خلعت‌بری، فیروزه (۱۳۷۱)، مجموعه مفاهیم پولی، بانکی و بین‌المللی، انتشارات شبانور، چاپ اول

۲- عیسوی، محمود (۱۳۸۹)، ساخت مالی متوازن ساختی مناسب برای نظام مالی کشور، نشریه معرفت اقتصادی، سال اول، شماره اول، صص ۲۹-۸۲

تامین مالی از طریق بازار سرمایه

- سرمایه‌پذیر معادل ارزش واقعی دارایی مبنای انتشار اوراق، تامین مالی می‌نماید.**

- سرمایه‌پذیر در مواعد مشخص تنها سود اوراق را پرداخت نموده و در سررسید به تصفیه اصل می‌پردازد.**

- هزینه تامین مالی و نرخ سود اوراق صکوک ارتباطی به حوزه فعالیت سرمایه‌پذیر ندارد.**

انواع اوراق بهادار اسلامی

انواع اوراق بهادار اسلامی

تامین مالی از طریق بازار پول

- نیازمند وثیقه، که نهایتا به میزان ۷۰ درصد ارزش آن وام تعلق می‌گیرد.**

- وام‌گیرنده در هر قسط مبلغی از اصل و سود وام دریافتی را بازپرداخت می‌نماید.**

- در نظام بانکی تسهیلات اعطایی باتوجه به حوزه فعالیت وام‌گیرنده از نرخ‌های متفاوتی تبعیت می‌کند.**

نهادهای مالی یک آرایش غلیظ



محمد مهدی تربتی

کارشناس مدیریت ریسک بانک خاورمیانه

دکتر محمد مهدی تربتی

هستند باید بر اساس زمان‌بندی سپرده‌ها شکل بگیرند. اعطای تسهیلات یا سرمایه‌گذاری بلندمدت در برابر سپرده‌های بانکی کوتاه مدت، خطری است که هیچ مدیر حرفه‌ای، زیر بار آن نمی‌رود. از این رو بهترین انتخاب سرمایه‌گذاران با دید بلندمدت، بورس اوراق بهادار است. این انتخاب تا حدی منطقی و درست می‌نماید. دید قد زمانی برای بورس دیدی بلندمدت است اما نکته مورد نظر این‌جاست که میزان تنوع‌سازی و توزیع ریسک در این نهاد مالی چقدر است؟ قطعاً محدود. علاوه بر محدودیت تنوع بخشی در این بازار، تضمینی درمورد نگره‌داشت سرمایه وجود ندارد. اگر فردی زمان نامناسی را برای ورود به آن بازار برگزیند، افق مشخصی از برگشت سرمایه خود را ندارد. بنابراین امکان سرمایه‌گذاری با هدف مشخص و همراه با یک تضمین برای سرمایه‌گذار وجود ندارد.

در این شرایط است که نهادی برای پاسخ‌گویی سرمایه‌گذاری بلندمدت نیاز است. آن نهاد را می‌توان نهادهای بیمه و مشخصاً شرکت‌های بیمه عمر نامید. بیمه به عنوان یکی از ابزارهای مدیریت ریسک نه تنها نقش به‌سزایی در جلوگیری از خسارات بیش از حد را دارند بلکه خود را به‌عنوان یک کنترل‌کننده مطرح می‌کند. شرکت‌های بیمه عمر با ترکیبی از داشتن نقدینگی، همراه داشتن پرتفلیو سرمایه‌گذاری منطبق با افق زمانی بلندمدت و یک تضمین حداقلی می‌تواند به عنوان یک نهاد مالی مطرح ششوند. حتی در شرایط توری ایران که بخشی از تورم به علت رشد نقدینگی بالاست، شرکت‌های بیمه می‌توانند با جذب این نقدینگی، وجوه را به سمت تولید هدایت کنند. در جامعه امروز ایران که با توجه به افزایش بیش از حد قیمت دارایی‌های فیزیکی، امکان سرمایه‌گذاری خرد برای مردم نیست، شرکت‌های بیمه عمر می‌توانند با تجمیع نقدینگی‌های اندک مردم، امکان سرمایه‌گذاری‌های هدفمند را برای آنها فراهم کنند. همچنین نهاد حرفه‌ای مانند بیمه می‌تواند به سایر نهادهای مالی جهت بوجود آوردن محصولات جدید کمک کنند. این تامل در بین نهادهای مالی می‌توانند باعث تمرکززدایی از نهاد یا نهادهای خاصی شود و آزادی عمل بیشتری به هر کدام از آنها بدهد.

بنابراین در محیط کنونی اقتصاد ایران آرایشی غلیظ از نظام بانکی صورت گرفته و باید پذیرفت که این نوع آرایش کمک‌چندانی به پیشرفت و رشد اقتصاد نخواهد کرد. تغییر این آرایش و وارد شدن نهادی مانند بیمه عمر و البته کارکرد حرفه‌ای آن می‌تواند بخشی از وظایفی را بر عهده گیرند که دیگر نهادهای مالی از پس انجام درست آن برنمی‌آیند. در نتیجه، این تغییرات به تخصیص بهتر منابع مردم با توجه به نیازشان کمک کرده و در مجموع اقتصاد در تمامی جهات خود به یک پایداری می‌رسد. ■

عهده تبریزی، رادپور. (۱۳۹۱). مجموع مقالات مالی و سرمایه‌گذاری. تهران: انتشارات پیشبرد.



برگزاری جلسه هیات موسس بیمه زندگی خاورمیانه



جلسه هیات موسس بیمه زندگی خاورمیانه روز ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۴ از ساعت ۱۸ الی ۲۰ حضور جناب آقای دکتر پرویز عقیلی کرمانی مدیرعامل گرامی بانک خاورمیانه در سالن همایش های این بانک برگزار شد. این جلسه به منظور ارائه گزارش به هیات موسس در مورد اقدامات صورت گرفته و مسیر تاسیس شرکت بیمه و بحث و تبادل نظر در این مورد برگزار گردید.

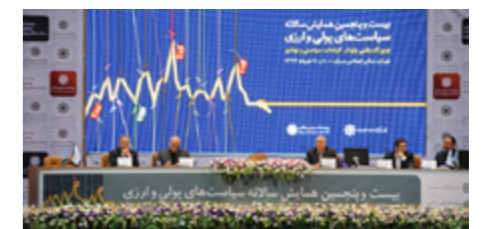
در ابتدای جلسه جناب آقای دکتر عقیلی ضمن خیرمقدم به هیات موسس و تشکر از همراهی ایشان، تشکیل بیمه های زندگی تخصصی را گامی تازه در کشور برای جذب سرمایه ها و اشاعه فرهنگ پس انداز ارزیابی کردند. ایشان با اشاره به موفقیت های بانک خاورمیانه بر اجرای دقیق مقررات بین المللی از جمله بازل ۳ و سولونسی (Solvency II) تأکید کردند.

بعد از سخنان ایشان جناب آقای خلیل حسن زاده به تشریح دلایل تشکیل بیمه های زندگی تخصصی برای حاضران پرداخت و آماری از صنعت بیمه کشور ارائه داد. در ادامه جناب آقای محمد مهدی نیسری در گزارش مفصلی کارهای انجام شده و مسیر تشکیل شرکت را تشریح و ضمن بیان دلایل تشکیل و فرصت های موجود برای سرمایه گذاری، بر تخصصی شدن بیمه های زندگی در ایران و تفکیک آن از سایر بیمه ها تأکید کرد. جلسه با پاسخگویی به سوالات حاضران به پایان رسید.

نرخ حق الوکاله سال ۱۳۹۴ بانک خاورمیانه اعلام شد

نرخ حق الوکاله انواع سپرده های بانک خاورمیانه در سال جاری، ۲/۵ درصد اعلام شد. این نرخ بر اساس قانون عملیات بانکداری بدون ربا و با توجه به سقف تعیین شده در ماده سه سیاست های پولی، اعتباری و نظارتی نظام بانکی کشور مصوب شورای پول و اعتبار تعیین شده است. حق الوکاله مبلغی است که بانک ها در قبال به کارگیری منابع سپرده شده توسط سپرده گذاران دریافت می کنند.

بیست و پنجمین همایش پولی و ارزی برگزار شد



بیست و پنجمین همایش پولی و ارزی به همت پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی در روزهای ۱۰ و ۱۱ خرداد در محل سالن اجلاس سران برگزار شد. در این همایش اقتصاددانان برجسته، مدیران بانک ها و صاحب نظران بین المللی نیز حضور داشتند. در این همایش تورم در مرکز توجهات بود. تورم دو رقمی سال هاست در کشور به مشکلی مزمن تبدیل شده است. در دو سال اخیر تورم از ۴۰ درصد به نزدیک ۱۵ درصد رسیده است اما ورود به هسته سخت تورم مسئله ای است که تدوین و اعمال سیاست های جسورانه ای را می طلبد که باید از سوی سیاستگذار پولی صورت گیرد.

از نکات جالب توجه در این همایش مطالبی بود که در سخنرانی رییس پژوهشکده پولی و بانکی، دکتر فرهاد نیلی بیان شد. وی در سخنان خود اعلام کرد که متوسط قیمت کالاها از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲ تقریباً ۱۰۶ برابر شده و ارزش ۱۰۰۰۰ ریال سال ۱۳۶۸ اکنون به ۹۴ ریال تنزل یافته است.

پیش فروش مجتمع مسکونی - تجاری کوهسار با تضمین بانک خاورمیانه



بانک خاورمیانه برای نخستین بار در کشور استفاده از حساب امین را برای تامین مالی پروژه های ساختمانی از طریق پیش فروش واحدها، به مالکان و سازندگان ارائه می نماید. پروژه مجتمع مسکونی تجاری کوهسار در منطقه کن تهران متعلق به شرکت سرمایه گذاری توسعه صنعتی ایران (سهامی عام) نخستین پروژه ای است که از این روش تامین مالی می گردد. پیش خریداران این پروژه در زمان انعقاد قرارداد پیش خرید، تضمین بانک خاورمیانه را در قالب یک تعهدنامه دریافت می کنند. بر این اساس بانک تعهد می کند که به عنوان امین پیش خریداران، اولاً بر مصرف وجوه پرداختی پیش خریداران در محل پروژه نظارت داشته باشد و ثانیاً چنانچه پروژه حداکثر پس از انقضای سه ماه از تاریخ مقرر در قراردادهای پیش فروش آماده تحویل به پیش خریداران نگردد؛ بانک وجوه پرداختی پیش خریداران را با سود سالانه ۲۰ درصد روز شمار بر اساس مبالغ پرداختی به ایشان مسترد نماید. لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر درخصوص پروژه کوهسار و شرایط پیش فروش به وبسایت شرکت آستانه عرش مان (گروه شرکت سرمایه گذاری توسعه صنعتی ایران) به نشانی www.maanspro.com مراجعه فرمایید. همچنین جهت تماس با دفتر فروش پروژه و دفتر مرکزی شرکت می توانید با شماره های ۰۲۲۸۷۷۳۱۵ و ۰۲۲۸۷۷۸۷۸، ۰۴۴۳۵۵۰۷۷-۸ تماس بگیرید.

پیش خریداران می توانند پس از پیش خرید واحد و دریافت تعهدنامه بانک، جهت حصول اطمینان از اصالت تعهدنامه دریافتی به اداره عملیات اعتباری بانک خاورمیانه به نشانی: تهران، خیابان احمد قصیر (بخارست)، نبش خیابان پنجم، ساختمان مرکزی بانک خاورمیانه، طبقه اول مراجعه فرمایند و یا با شماره های ۰۲۲۱۷۸۱۰۳ و ۰۲۲۱۷۸۱۰۵ تماس بگیرند.

دسترسی به پرتال سهامداران بانک خاورمیانه از طریق وبسایت میسر شد

بانک خاورمیانه از فروردین ۹۴ امکان دسترسی سهامداران گرامی را به پرتال سهامداران از طریق وبسایت خود فراهم کرده است. کلیه سهامداران گرامی یا وکلای قانونی ایشان جهت دریافت نام کاربری و رمز ورود با در دست داشتن مدارک شناسایی معتبر (شناسنامه، کارت ملی، پاسپورت و یا وکالتنامه معتبر) می توانند با مراجعه به اداره امور سهام یا یکی از شعب بانک خاورمیانه و پس از تکمیل فرم درخواست نسبت به دریافت نام کاربری، رمز ورود و بروشور نحوه استفاده از پرتال سهامداران اقدام نمایند.

شعبه مشهد بانک خاورمیانه به زودی افتتاح می شود

دوازدهمین شعبه بانک خاورمیانه به زودی در شهر مقدس مشهد افتتاح خواهد شد.

"حساب امین بانک خاورمیانه" ابزاری نوین جهت تامین مالی پروژه های ساختمانی

بانک خاورمیانه با الگوبری از تجربیات موفق سایر کشورها در نظر دارد برای نخستین بار در کشور استفاده از حساب امین را برای تامین مالی پروژه های ساختمانی از طریق پیش فروش واحدها به مالکان و سازندگان ارائه نماید. در این روش پیش خریداران وجوه خود را به حساب امین نزد بانک واریز می نمایند و بانک این وجوه را به تناسب پیشرفت پروژه به سازنده پرداخت می نماید. بدین ترتیب سازنده از تامین مالی پروژه خود در زمان های مورد نیاز اطمینان حاصل نموده و پیش خریداران نیز با اخذ تضمین بانک، یک سرمایه گذاری بدون ریسک خواهند داشت. هدف استفاده از حساب امین در پیش فروش واحدها در درجه اول ایجاد اطمینان خاطر در پیش خریداران نسبت به سرمایه گذاری خود و در درجه دوم پایین آوردن هزینه تامین مالی پروژه است. با استفاده از این مکانیزم، سرعت پیشرفت پروژه نیز بیشتر می شود زیرا سازنده بر حسب میزان پیشرفت پروژه منابع مورد نیاز را از بانک دریافت می کند.

شعب بانک خاورمیانه

| | | | | |
|---------------------|------------|------|--|-----------------|
| تهران | آفتاب | ۱۰۰۱ | میدان ونک، خیابان شهید خدای، تقاطع خیابان آفتاب | ۸۸۶۲۳۷۵۰ |
| تهران | نوبخت | ۱۰۰۲ | خیابان خرمشهر، خیابان شهید عربعلی، نبش خیابان یازدهم | ۸۸۵۳۷۴۳۸ |
| تهران | نیواران | ۱۰۰۳ | خیابان شهید باهنر، بعد از سه راه یاسر، جنب مسجد سجاد | ۲۲۷۵۹۳۹۸ |
| تهران | الهیه | ۱۰۰۴ | خیابان شهید فیاضی، خیابان آقابزرگی، نبش بن بست بیژن | ۲۲۳۹۰۹۹۱ |
| تهران | مهستان | ۱۰۰۵ | شهرک قدس، خیابان ایران زمین، مجموعه ورزشی مهستان | ۸۸۵۶۱۶۵۶-۷ |
| تهران | سعادت آباد | ۱۰۰۶ | سعادت آباد، بالاتر از میدان سرلشکر شهید طهرانی مقدم (کاج)، نبش کوچه هفتم | ۲۲۳۸۲۹۳۸ |
| تهران | بخارست | ۱۰۰۷ | خیابان احمد قصیر (بخارست)، نبش خیابان پنجم | ۸۸۷۲۹۹۲۵ |
| تهران | زعفرانیه | ۱۰۰۸ | خیابان ولنجک، انتهای خیابان سیزدهم، تقاطع ثارالله | ۲۲۴۴۲۷۸۲ |
| اصفهان | اصفهان | ۳۰۰۱ | میدان فیض، نبش خیابان میر | ۰۳۱-۳۶۶۴۴۶۸۳-۸۸ |
| تبریز | تبریز | ۴۵۰۱ | شهرک ولی عصر، فلکه رودکی، خیابان رودکی، نبش کوچه سحر | ۰۴۱-۳۳۲۷۲۶۰۵-۹ |
| شیراز | شیراز | ۷۲۰۱ | بلوار ستارخان، تقاطع عقیف آباد | ۰۷۱-۳۶۲۶۸۸۰۷ |
| مشهد (در شرف تاسیس) | مشهد | ۸۵۰۱ | بلوار سجاد، بین چهارراه بهار و چهارراه گلریز | ۰۵۱-۳۷۶۵۶۲۲۲ |

بانک خاورمیانه علاوه بر ارائه تمامی خدمات یک بانک تجاری، سایر خدمات حوزه بازار پول و سرمایه را به صورت مستقیم و یا از طریق ایجاد شرکت های زیرمجموعه یا وابسته با رعایت مقررات و ضوابط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان بورس و اوراق بهادار فراهم نموده است.

● شرکت تامین سرمایه کاردان

تهران، بلوار نلسون ماندلا (جردن)، خیابان رحیمی، پلاک ۴، واحد ۲۰۳ | ۹۶۶۲۱۱۰۰ | www.kardan.ir

● شرکت کارگزاری بانک خاورمیانه

تهران، خیابان خرمشهر، خیابان شهید عربعلی (نوبخت)، نبش خیابان یازدهم، پلاک ۱، طبقه دوم | ۸۱۷۳۸۴۷ | www.mebbco.com

● شرکت بیمه زندگی خاورمیانه (در شرف تاسیس)

تهران، خیابان احمد قصیر (بخارست)، نبش خیابان پنجم، پلاک ۲ | ۴۲۱۷۸۷۱۰ | www.middleeastbank.ir

● شرکت صرافی بانک خاورمیانه

تهران، سعادت آباد، بالاتر از میدان سرلشکر شهید طهرانی مقدم (کاج)، نبش کوچه هفتم | ۲۲۱۳۵۴۴۶ | ۲۲۱۳۷۵۶۴

● شرکت فن آوری اطلاعات داده پردازان سیمای آفتاب

تهران، خیابان خرمشهر، خیابان شهید عربعلی (نوبخت)، نبش خیابان یازدهم، پلاک ۱، طبقه دوم | ۸۱۷۳۸۴۷ | www.dsa.co.ir

ساختمان ادارات مرکزی

تلفن: ۴۲۱۷۸۰۰۰
 دورنگار: ۰۲۱-۸۸۷۰۱۰۹۵
 کدپستی: ۱۵۱۳۶۴۵۷۱۷ | صندوق پستی: ۴۴۴۵ - ۱۵۸۷۵
www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir

بانک خاورمیانه
Middle East Bank



ما مراقب شکوه طبیعت هستیم

